

کناره‌گیری بن جدید وتعویق انتخابات در الجزایر

روز شنبه ۲۱ دی ماه، شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر طی یک سخنرانی تلویزیونی کناره‌گیری خود را اعلام کرد و گفت بخاطر منافع کشور از ریاست جمهوری استعفا می‌دهد. بلافاصله پس از کناره‌گیری بن جدید که بنا به گزارش‌های تحت فشار مقام‌های عالی رتبه ارتش الجزایر صورت گرفت، ارگانی بنام "شورای امنیت" به ریاست

الجزایر: پایان یا آغاز فاجعه؟

در الجزایر نیز تجربه ایران تکرار شد. سه دهه حکومت تک حزبی، دیکتاتوری توأم با فساد و سوء مدیریت و ممانعت از رشد فرهنگ سیاسی و آگاهی اجتماعی در شرایط آزاد و سالم در الجزایر، همانند زمان رژیم شاه در ایران، منجر بدان شد که این کشور در نخستین گام تجربه دموکراسی با فاجعه روبرو شود. آنچه از صندوق‌های رای در نخستین انتخابات الجزایر بیرون آمد برآستی یک فاجعه بود. پیروزی چشم‌گیر عقب مانده‌ترین موجودات تحت عنوان کاندیداهای "جبهه نجات اسلامی" در انتخابات الجزایر ثمره مستقیم ۳ دهه دیکتاتوری و انحصار طلبی جبهه آزادی بخش ملی الجزایر بود. حکومتی که همانند رژیم شاه مانع از جریان و تقابل آزاد افکار و اندیشه‌ها، پایداری و رشد احزاب سیاسی و فرهنگ دموکراتیک در جامعه شد و آنجا که در اثر وخامت اوضاع و تشدید بحران دیگر از ادامه حکومت به شیوه سابق ناتوان ماند، کشور را در آستانه سيطرة نیروهای قرار داد که همانند حکام هر جمع ایران ارمقانی جز سیاسی و تباهی برای مردم الجزایر در چینه ندارند. تنها تفاوت الجزایر با ایران این است که در الجزایر حکام آن کشور در تبدیری که ادامه راه و روش حکومت ۳۵ ساله گذشته است ظاهراً در صدد مهار فاجعه برآمده‌اند، اما همان‌طور که بر حفظ دیکتاتوری و تاج و تخت خود پای فشرد که امواج طغیان، هم او، و هم آرزوهای سالیان دراز مردم ایران برای زیستن در آزادی را زیر آواری از سیاهی و تباهی، و وحشت و ترور مدفون ساخت. البته هنوز معلوم نیست در باره الجزایر نیز چنین نشود. بی هیچ تردیدی باید گفت در الجزایر توأم فریبانی از صندوق‌های رای بیرون آید که دموکراسی را "ارزش کفر آمیز" فریبی تلقی کرده و در پی استقرار حکومتی هستند که همانند ایران امروز، جز حکومت وحشت و ترور، و زور و خفقان نخواهد بود. اما اقدام عناصری از

فزالی نخست وزیر، زمام امور را به دست خود گرفت و اعلام کرد مرحله دوم انتخابات پارلمان الجزایر که قرار بود روز ۲۶ دی برگزار شود، به تعویق می‌افتد. در مرحله اول انتخابات، حزب بنیادگرای "جبهه نجات اسلامی" توانسته بود از ۲۰۶ کرسی مجلس که سر نوشت آن در مرحله نخست

دولت ترکیه در صدد تحویل دهها پناهنده ایرانی به حکومت اسلامی است

بنابه گزارشات رسیده دولت ترکیه ۶۰ تن از مومنان مارادر شهرهای آنکارا و استانبول دستگیر کرده و قصد تحویل آن‌ها به جمهوری اسلامی را دارد. این عده که دلایل مختلف از ایران خارج شده و قصد پناهنده‌گی به کشورهای دیگر را داشته‌اند خود را به کمیساریای عالی

کدام

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲ بهمن ۱۳۷۵ - ۲۲ ژانویه ۱۹۹۲ - دوره سوم شماره ۲۷

انجمن‌های فرهنگی بدون مجوز ممنوع شدند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی اطلاعیه‌ای از انجمن‌های فرهنگی و هنری خواسته است که جهت ثبت قانونی خود اقدام نمایند. این وزارتخانه اخطار کرده است که این قبیل انجمن‌ها بدون ثبت و کسب تایید اجازه ادامه فعالیت نخواهند داشت. در چند ساله اخیر به همت هنرمندان و فرهنگ دوستان در

سطح کشور شمار فراوانی انجمن فرهنگی و هنری بنیاد گذاشته شد. آنها با تاسیس کلاس‌های آموزشی، برپایی جلسات گفتگو و مباحثه و اجتماعاتی برای انجام مراسم هنری و یا سخنرانی می‌گوشند. فرهنگ و هنر را پاس دارند. در شرایطی که رژیم هنر ستیز، محدودده فعالیت‌های هنری را هر

تهاجم فرهنگی غرب یا بحران فرهنگی رژیم؟

در سخنرانی که خامنه‌ای چندی پیش در برابر اعضای "شورای عالی انقلاب فرهنگی" ایراد کرد، مجدداً خطر "تهاجم فرهنگی" علیه رژیم را گوشزد کرده و از مسئولین امر خواست که این خطر را جدی بگیرند. وی گفت: "مسئله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تاکید کرده‌ایم یک واقعیت روشن است. ما با انکار آن نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. نباید تهاجم فرهنگی را انکار کرد. تهاجم فرهنگی وجود دارد" و "ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است. کما اینکه اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تعدید دشمنان است." خامنه‌ای در ادامه سخنان خود به تعریف "تهاجم" مورد نظر پرداخت و گفت: "ما نباید چیزی را که در دانشگاهها و در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه‌های جمعی ما، در کتابهایی که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شهرهایی که می‌سرایند، در برنامه‌های فرهنگی دنیا که ظاهراً هم به ما ارتباط ندارد، وجود دارد... انکار کنیم. در همه جا یک آرایش فرهنگی بسیار خطرناکی علیه انقلاب وجود دارد."

حقیقت و حقانیت!

- پرز دکوئیاری، حقیقت آغاز جنگ ایران و عراق را اعلام کرد.
- رژیم جمهوری اسلامی، ریاکارانه از اعلام این حقیقت، حقانیت خود را نتیجه می‌گیرد.
- حقانیت نیروهای واقعی صلح، یک حقیقت خدشه ناپذیر است.

عزیزم بر خوردهای ماجراجویانه سیاسی و نیز تحریکات نظامی رژیم نوپای جمهوری اسلامی در مرزهای عراق، این ارتش تحت قیادت عدام حسین بود که در نیم روز ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ از زمین و هوا به میهن ما هجوم آورد و در رویای "قادسیه دوم" جنگی خانمان برانداز بین دو کشور همسایه را آغاز کرد. درک این نکته البته اهمیت دارد که اکنون در شرایط بین‌المللی خاصی است که در

زبان عالی‌ترین مقام مرجع بین‌المللی به بیان درآمد. قطعنامه ارژشمند ۵۹۸ از جنبه ابهام چندین ساله بیرون آمد و اصالت خود را به تمامی نشان داد. حقیقت اظهار شد و حق پیروز گردید. جای دریغ است که چرا این وجدان رسمی بین‌المللی سالها تسلیم مصلحت‌های سیاسی قدرت‌های بزرگ شد و حقیقت را به تمامی نگفت. اگر چه جای تقدیر دارد که آقای پرز دکوئیاری خواست که حقیقت ناگفته، سازمان ملل متحد را ترک گوید. از همان آغاز روشن بود که

خاویر پرز دکوئیاری، دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد، پیش از آنکه مقام خود را به جانشینش بسپارد، در آخرین گزارش خود به شورای امنیت صراحتاً عراق را مسئول شعله‌ور شدن آتش جنگی شناخت که در آخرین روز تابستان سال ۱۳۵۹ مشغول شد و لهیب آن مردم دو کشور ایران و عراق را به خاکستر نشاند. بدین سان آنچه که در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مسکوت مانده بود، سرانجام با عمل دبیر هنگام آقای پرز دکوئیاری به وظیفه خود در قبال ماده ۶ این قطعنامه، صراحت یافت و حقیقتی همان از

این همه خرید تسلیحاتی رژیم برای چیست؟

گذشت. همچنین این اواخر هر از گاهی شایعه مربوط به تلاش جمهوری اسلامی برای جلب و جذب کارشناسان جمهوری‌های سابق شوروی و خرید تکنولوژی هسته‌ای از آنها و نیز چین و کره شمالی شنیده می‌شود. اما جمهوری اسلامی این اخبار و گزارشات را تکذیب کرده و مدعی است که "ایران تمام توجه و توان خود را بر روی بازسازی و برپانمایی جنگ هشت ساله متمرکز کرده است."

سلاح و تکنولوژی هسته‌ای از جمهوری‌های شوروی سابق و کره شمالی است. بدنبال آن سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد جمهوری اسلامی ظرف یکسال گذشته یک میلیارد دلار از جمهوری‌های شوروی سابق اسلحه خریده است و گفت واشنگتن در سفر ماه جاری جیمز بیکر به مسکو این مسئله را با مقامات روسی در میان خواهد

هفته‌های اخیر برخی روزنامه‌های غربی و بدنبال آن خبرگزاری‌ها از خریدهای تسلیحاتی رژیم جمهوری اسلامی و همچنین ادامه تلاش رژیم برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای خبر دادند. دو هفته پیش روزنامه آمریکائی لوس آنجلس تایمز با درج گزارشی نوشت که جمهوری اسلامی سرگرم خرید مخفیانه

۱۹ بهمن را گرامی بداریم

بیست و یکمین سالروز جنبش فدائیان فرامی‌رسد. ۲۰ سال پیکار را پشت سر می‌نیم. با فراز و فرودهای بسیار. اما همواره وفادار به مردم و آرمان‌های بزرگ آنان صلح، آزادی، دموکراسی و عدالت. در این ۲۰ سالی که گذشت به زندان افتادیم، شکنجه شدیم، محرومیت‌ها کشیدیم، از میهن در بدر شدیم، بسیاری از بهترین یارانمان را در سیاه چال‌ها و در میدان‌های اعدام از دست دادیم. زیرا که خواستیم در برابر ظلم و ستم از پای بنشینیم و ایران و جهان را انسانی‌تر می‌خواستیم و می‌خواهیم.

سال‌های نزدیک گذشته دشوارترین سال‌های حیات مان بود. در معرض طوفان‌های محیب در میهن مان و در پهنه گیتی قرار گرفتیم، از یاران بسیاری محروم شدیم، شکست‌های بسیار دیدیم و تجارب فراوان آموختیم. اما همواره به آن اهداف و آرمان‌های انسان دوستانه‌ای که با آن آغاز کردیم وفادار ماندیم و خود را جزئی از زحماتشان ایران، در کنار آنها و برای آنها دانستیم.

در بیست و یکمین سالگرد جنبش، آنچه که پابر جاست پرچم پیکار ما بخاطر سعادت مردم ایران و تلاش برای خوشبختی بشریت است. آرمان ما دموکراسی و عدالت اجتماعی و تحقق ارزش‌های انسانی و سوسیالیستی در کشورمان و در سراسر جهان است. ما به این آرمان پای بندیم و راز ماندگاری خود را از آن می‌دانیم. به پیشواز بیست و یکمین سالگرد تشکیل جنبش فدائیان خلق ایران برویم. در هر جا که هستیم و هر گونه که می‌توانیم، ۱۹ بهمن را گرامی داریم.

همچنین این اواخر هر از گاهی شایعه مربوط به تلاش جمهوری اسلامی برای جلب و جذب کارشناسان جمهوری‌های سابق شوروی و خرید تکنولوژی هسته‌ای از آنها و نیز چین و کره شمالی شنیده می‌شود. اما جمهوری اسلامی این اخبار و گزارشات را تکذیب کرده و مدعی است که "ایران تمام توجه و توان خود را بر روی بازسازی و برپانمایی جنگ هشت ساله متمرکز کرده است."

پیرامون لایحه بودجه ۷۱
عملکرد دولت رفسنجانی
از زبان نمایندگان مجلس
در صفحه ۵

ضمیمه

طرح پیشنهادی

برای نزدیکی نظری و عملی
نیروهای چپ دموکرات ایران
در راستای ایجاد
تشکل سیاسی واحد
در صفحات داخلی

حقیقت و حقانیت!

بقیه از صفحه اول

حقیقت نقض رژیم صدام در تجاوز به ایران و آغاز جنگ با ایران اعتراف می‌شود. اما مهمتر آن است که تاریخ دیر یازود حقیقت را می‌گوید. از همان بدو انتشار قطع نامه ۵۹۸ و حتی هملا بر زمینه عملی آن یعنی بیرون راندن ارتش متجاوز عراق از خرمشهر به همت نیروی مقاومت ایرانی، نیروی واقعی صلح در کشورمان مسئولانه و بردارانه و ضمن تاکید بر ضعفها و نواقص این قطع نامه، بر پذیرش و اجرای آن رای دادند. آنها با ایستادن بر حقیقت موجود در قطع نامه ۵۹۸ که پیش از همه در ماده قطع بی قید و شرط جنگ متجلی بود، تصریح کردند که می‌توان در طی زمان بر زمینه مذاکرات صلح و بسج کلیه امکانات صلح در دو کشور و جهان، همه حقایق را روشن کرد و حقانیت جا را نشان داد. اما این احساس مسئولیت با از سوی رژیم جمهوری اسلامی و شخص خمینی با نعره "جنگ جنگ تا پیروزی" مورد ملامت و شماتت و بعد هم سرکوب بی رحمانه روبرو شد. تاریخ نشان داد که حق با کیست، حقیقت چیست و راه اثبات حقانیت کدام است. واقعا نبرد آور است وقتی که دیده می‌شود که رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی چگونه به تحریف تاریخ بر می‌خیزد و چه سان شیادانه می‌خواهد از اعلام حقیقت توسط پزند کویار، حقانیت خود را نتیجه بگیرد و بر تمهکاری‌های خود نام پیروزی نهد.

تلیقات پر سرو صدای جمهوری اسلامی پیرامون گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد جنگ ۸ ساله ایران و عراق هم چنان ادامه دارد. رژیم انتشار این گزارش را یک پیروزی بزرگ برای خود قلمداد کرده و می‌کوشد با اتکای به آن دلیل تازه‌ای برای ادامه ۶ سال جنگ ویرانگرانه خود فراهم آورد. این "پیروزی" ادعایی به چه بهایی به دست آمده است؟ انتشار گزارش دبیر کل تا حدودی

پاسخ به این سوال است. خسارات مستقیم جنگ ۹۷ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار و خسارات غیر مستقیم ۳۴ هزار و ۵۳۵ میلیارد ریال برآورد شده‌اند. در گزارش گفته شده که خسارات وارده به زیر بنا و نظام اقتصادی ایران بسیار سنگین و بخش اساسی آن غیر قابل محاسبه است. تاسیسات و صنایع نفت از سطح استانداردهای قابل رقابت جهانی بسیار عقب مانده‌اند. بخشهای صنعتی تنها از طریق جابجایی قطعات دستگاهها و استفاده از قطعات اوراق شده سرپا نگاه داشته شده‌اند. خاک کشاورزی در استان جنگی نابود و بایر شده است. بنادر خرمشهر و آبادان به طور کامل ویران شده است. صنعت حمل و نقل خسارات عظیم دیده. میزان خسارات به بخش مسکن "فرا تر از تصور" است و... رژیم اسلامی اکنون به طمع دریافت فرامت و کمکهای بین المللی بخشی از نتایج ویرانگر جنگ را که سالها از مردم پنجهان نگاه داشته بود فاش می‌کند و مدعی است که گزارش دبیر کل در مورد خسارات ایران ناقص و میزان خرابیها و ویرانیهای جنگی، فراتر از آتی است که در گزارش بازتاب یافته است.

بر همه ضایعات مادی و ویرانیهای اقتصادی که اکنون چانه زنی بر سر قیمت آنها جریان دارد باید تلفات جبران ناپذیر انسانی را افزود: یک میلیون کشته و مجروح، هزاران معلول جنگی، انواع بیماریهای روحی و روانی ناشی از جنگ، خانواده‌های متلاشی شده، انبوه مادران داغدار، فرزندان یتیم و بی سرپرست و... مردم ایران این جنایات و ویرانیهای عظیم را محتمل شدند تا چه چیزی به دست آورند؟

رژیم جمهوری اسلامی که چندان در پاسخ به این سوال همگانی حتی در برابر مواداران خود خالی است، از سر ناچاری اثبات "حقانیت" ایران در جنگ را دستاویز ساخته و مدعی است در قبال اینجمله ویرانی و تباخی "حقانیت ایران" در جنگ ثابت

شده و این یک "پیروزی بزرگ" است که در نتیجه ۸ سال "مقاومت و پایداری" و ادامه جنگ پس از آزادی خرمشهر به دست آمده است. جمهوری اسلامی این بار نیز مثل همیشه مسایل را به کلی وارانه جلوه می‌دهد و انتشار گزارش دبیر کل را ناشی از ادامه جنگ می‌داند تا بلکه بتواند آثرابه مرجمی برای زخم عمیق و نیافتنهای که از ۶ سال ادامه جنگ در مردم ما ایجاد شده تبدیل سازد. سران رژیم که شعارهای دیروزی خود را به دست فراموشی سپرده‌اند، مزورانه این واقعیت را پنهان می‌سازند که آنها جنگ را نه با نیت "اثبات حقانیت ایران" بلکه با هدف صدور انقلاب اسلامی به عراق و تشکیل دولتی دست نشانده در آنجا ادامه دادند. وقتی در سال ۱۹۶۷ خرمشهر آزاد شد و رژیم عراق در پیشبرد نقشه تجاوز کارانه‌اش با شکست مواجه شد و تقاضای آتش بس و پایان جنگ را کرد، بزرگترین موقعیت فرصت برای پایان شرافتمندانه جنگ فراهم شد. ایران در شرایطی قرار گرفته بود که هم قدرت و هم حقانیت آنرا داشت که صلحی شرافتمندانه را بر رژیم صدام تحمیل کند. اما خمینی در پی رویای صدور انقلاب و تشکیل امپراطوری اسلامی با قطع جنگ مخالفت کرد و در سخنانی که تا بد عنوان سندی از جنایات بزرگ او باقی خواهد ماند، اعلام کرد که فطرت در جنگ با عراق انتحار است و ایران باید عراق و سایر "کشورهای کوچولوی" منطقه را به خودش "امتصل" کند. به دنبال فرمان خمینی بر آتش جنگ دمیده شد و رژیم اسلامی با رویای فتح عراق ۶ سال جنگ و خونریزی را ادامه داد و کار راه جایی رساند که در سال ۱۳۶۷ بار دیگر بخشهای وسیعی از خاک کشورها در خطر تجاوز و اشغال ارتش عراق درآمد. در این شرایط که اقتصاد کشور ورشکسته، ارتش و نیروهای انتظامی در آستانه فروپاشی و مردم از ادامه جنگ

عاصی شده بودند، خمینی مجبور شد با دست لرزان جام زهر را سر کشد و به آتش بس و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در اوج ناتوانی تن دهد. زیرا دیگر توان ادامه جنگ حتی برای جنگ طلبی چون او نیز باقی نمانده بود. سازمان ما همراه با بسیاری از نیروهای سیاسی دیگر همواره بر این واقعیت پافشاری کرد که پس از آزادی خرمشهر و شکست نقشه‌های عراق، ادامه جنگ بی معنی و ارتجاعی است. ما از آن زمان خواهان قطع جنگ و آتش بس شدیم و با ادامه جنگ از سوی رژیم به مخالفت برخاستیم. اما رژیم خمینی هر فریاد صلح خواهانه‌ای را با خشونت تمام سرکوب کرد، هزاران میهن پرست را بدلیل مخالفت با ادامه جنگ و صلح خواهی به زندان افکند و شکنجه کرد و بسیاری را تیرباران نمود. این جنایات بیشمار مواردی است که در هیچ گزارش رسمی پیرامون جنگ به آنها اشاره نشده است.

جمهوری اسلامی اکنون با شرایط نسبتا مساعد بین المللی و فشاری که روی دولت عراق وجود دارد خواست دریافت فرامت را بیان کشیده و نتیجه طبیعی گزارش دبیر کل را پرداخت فرامت به ایران می‌داند و برای جلب نظر کشورهای بزرگ در این مورد می‌کوشد. ما با فرامت طلبی از سوی رژیم اسلامی مخالفیم زیرا فرامت را باید مردم عراق بپردازند که اکنون بر اثر جنون جنگ طلبی صدام، گرسنه و قحطی زده، و در محاصره اقتصادی قرار دارند و اختیار منابع و ثروتهای ملی شان به دست امریکای متحدانش افتاده است. اگر عراق جنگ را آغاز کرد، جمهوری اسلامی آنرا ادامه داد. بخش عمده‌ای از ضایعات انسانی و خسارات عظیم مادی که در گزارش دبیر کل به آنان اشاره شده، محصول ۶ سال ادامه جنگ از سوی رژیم است و این رژیم نباید به خاطر جنایات و ویرانگری‌هایش پاداش دریافت کند.

و مرکز آن را تحمل نخواهیم کرد و در صورت عدم پیگیری موارد فوق به تکلیف الهی و شرعی خود عمل خواهیم کرد.

رئیس دانشگاه امیرکبیر نیز ناهمادی به خامنه‌ای ارسال کرده و در آن ضمن دفاع از دستگیر شدگان و اطلاع نارضایتی از دستگیری آنان از خواسته است. که دستور آزادی دستگیر شدگان را صادر نماید. این مسئله در مطبوعات کشور نیز بازتاب وسیعی پیدا کرده است. روزنامه‌های سلام و ابرار بیانیه‌های انجمن‌های اسلامی را درج نمودند. روزنامه رسالت شدیداً علیه انجمن‌های اسلامی برخاسته و از اقدام قوه قضائیه دفاع نموده است. گنجهان هوایی نیز خواستار آن شده که با مسایل دانشجویی بطور ظریف برخورد شود. وزیر فرهنگ و آموزش عالی نیز در این مورد گفت: "دستگیری این دو دانشجو همزمان با ۱۶ آذر روز دانشجو و

دانشگاه مشهد مشغول تحصیل بوده است به همین ترتیب رپوده شده که تاکنون اطلاع دقیقی از محل بازداشت وی بدست نیامده است." بدنبال این دستگیری‌های از دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان و امیرکبیر در کلاسهای درس بعنوان اعتراض حاضر نشده‌اند. انجمن‌های اسلامی تعدادی از دانشگاه‌ها نیز طی بیانیه‌هایی دستگیری دانشجویان را محکوم کرده‌اند. در بیانیه دفتر تحکیم وحدت آمده است: "دو تن دیگر بدون ابلاغ هیچ گونه حکم رسمی و باشیوه‌های ناشایست پلیسی از صحن مقدس دانشگاه ربوده شده و تاکنون هیچگونه اطلاع رسمی از مرجع دستگیر کننده و محل نگهداری آنان بدست نیامده است." انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر نیز طی بیانیه‌ای اعلام کرده است: "ما این حرکت را تهاجم به حیثیت سیاسی و فرهنگی دانشجو دانسته

بازداشت مصطفی رستم خانی دبیر انجمن اسلامی و لشکری عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی امیرکبیر مشهد موجب تشدید ناآرامی‌ها در دانشگاه‌های کشور شده است. انجمن اسلامی این دانشگاه طی بیانیه‌ای اعلام کرده است: "از مقابل مسجد دانشگاه صنعتی امیرکبیر و در برابر دیدگان متعجب دانشجویان، دبیر انجمن اسلامی این دانشگاه به روش غیر قانونی و غیر منطقی توسط ۳ تن که لباس شخصی بر تن داشته دستگیر و به وسیله اتومبیل رنوبه نقطه نامعلومی برده میشود." در قسمت دیگر این بیانیه آمده است: "ماموران اجرای حکم چرا بصورت یک آدم ربائی و گروگان گیری اقدام به دستگیری برادر رستم خانی و لشکری نمودند؟ و نکته جالب تر این جاست که حدود یک ماه پیش برادر مصطفی نعمتی عضو دیگر شورای مرکزی انجمن اسلامی این دانشگاه که بصورت مجسمان در

در محیط دانشگاه و یا موقوفه اطراف قابل تامل، تذکر و اعتراض است. اما این اعتراض باید به نحو معقول و مناسب و منطبق با شرایط کشور صورت گیرد."

این موضوع در همین حال به منازعه بین تشکل‌های موجود در دانشگاه‌ها یعنی انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت که در طیف جناح تندروها قرار دارند و جامعه اسلامی و اتحادیه آنها که حامی ائتلاف حاکم هستند، منجر شده است. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی و فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی طی بیانیه‌ای نقش دفتر تحکیم وحدت را در این جریان بیان داشته و آنرا شدیداً مورد حمله قرار داده‌اند. بالاگرفتن قضیه وزیر فرهنگ و آموزش عالی در جلسه پرسش و پاسخ در شهر قم اعلام کرد که این دانشجویان به اتهام جعل اسناد توسط ماموران دادستانی دستگیر شده‌اند.

در ماه‌های اخیر درگیری در

اعلامیه گروه کار خارج کشور سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره

تشدید حرکات ضد خارجی نیروهای راست و نئونازیست

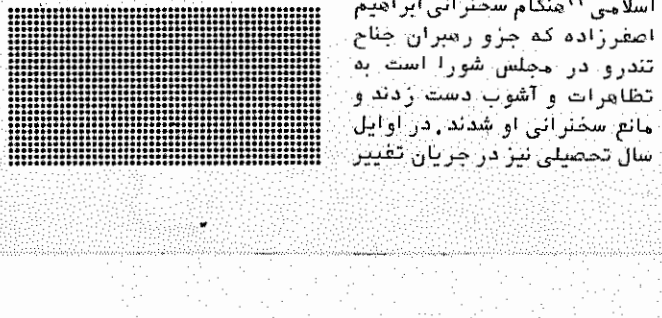
و... نیز به همین روال پیش می‌رود. این اقدامات متقاضیان پناهندگی را در شرایط روحی دشواری قرار داده است. کسانی که به دلایل ویژه سیاسی، اجتماعی، یا اقتصادی ناکزیر به این کشورها پناه آورده هر روز شاهد فشار و تبعیضات بیشتری علیه حقوق خویشند و از آن فراتر قربانی موج ترور باندهای فاشیستی می‌گردند: روزی دانشجوی ایرانی "جمشید رنجبر" را در استکلم به ضرب گلوله از پای در می‌آورند، روزی دیگر در مونیخ دو جوان ترک را با شلیک گلوله و به ضرب کارنده قتل می‌رسانند، در جایی دیگر دولت انگلستان پناهجویان کرد را به مسلخ هودت می‌دهد.

مهاجران و پناهندگان ایرانی! تهاجم احزاب راست و نیروهای نئوفاشیستی از جانب مردم آزاده و نیروهای دموکرات کشورهای مربوطه بی پاسخ نمانده است: شرکت هزاران نفر از مردم استکلم در راه پیمایی به اعتراض علیه قتل جمشید رنجبر و دیگر اقدامات ضد خارجی در سوئد جلوه امیدوار کننده‌ای از همبستگی با خارجیان بود. همچنین موج گسترده اعتراض احزاب مترقی آلمان به تحرکات ضد خارجی، احزاب راست را به بعضی عقب نشینی‌ها و احتیاط بیشتر در سیاست هایشان واداشته است. اما این ثمرات بدون دفاع متشکل و جمعی مهاجران و پناهندگان از حقوق خود، قطعا نارس و نامطمئن باقی خواهد ماند.

برای مقابله با تضیقات و تجاوزات غیر انسانی احزاب راست و نژاد پرست، نیروهایمان را گرد آوریم و پیوند خود را با پناهندگان سایر ملل مستحکم‌تر سازیم. نیروهایمان را برای همکاری و اقدام مشترک با احزاب ترقیخواه و ضد فاشیست کشورهای میزبان متحدابکار گیریم.

گروه تشکیلات خارج از کشور
س.ف.خ.ا. (اکثریت)
عزائونیه ۱۹۹۲

دانشگاهها و اعتراضات دانشجویان شدت یافته است. بخشی از این اعتراضات مربوط به وضع زندگی و آموزش دانشجویان است و بخش دیگر مربوط به درگیری جناح‌های حکومتی و جریانهای وابسته به آنها در دانشگاه‌هاست. در تابستان گذشته ساختمان دانشکده حقوق دانشگاه تهران که در اختیار دفتر تحکیم وحدت بود، با حمله نیروهای انتظامی تخلیه شد که موجب اعتراض انجمن‌های اسلامی گردید. در دانشگاه شیراز عده‌ای از دانشجویان عضو "جامعه اسلامی" هنگام سخنرانی ابراهیم اصفهزاده که جزو ربران جناح تندرو در مجلس شورا است به تظاهرات و آشوب دست زدند و مانع سخنرانی او شدند. در اوایل سال تحصیلی نیز در جریان تغییر



تهاجم فرهنگی غرب یا بحران فرهنگی رژیم؟

بقیه از صفحه اول

به قرب دروئی است که تنها از دهان منافدیان ارتجاع می‌تواند بیرون آید. سخنان خامنه‌ای نشانگر وحشت و هراس بزرگی است که این جریان در دل مرتجعین ایجاد کرده و زمینه سازی است برای اعمال فشار بیشتر علیه آن. اما وحشت خامنه‌ای تنها از گسترش روز افزون این جریان نیست، او از این نیز نگران و برآشفته است که حتی بخشهایی از نیروهای حاکمیت و پیرامون آن نیز از آسیب "تهاجم فرهنگی" در امان نمانده‌اند و اندیشه‌هایی را به میان می‌کشند که در فرهنگ و ایدئولوژی ولایت فقیه جرعی نابخشودنی است. خامنه‌ای در همان سخنرانی می‌گوید: "این تهاجم فرهنگی گاهی هم متأسفانه بوسیله خودیها انجام می‌گیرد. مثلاً فرض بفرمائید ما می‌بینیم یک سلسله کارها و بحثهایی مبنی بر حذف شخصیت و ارزش روحانیت در محیط سیاسی یا در محیط دانشگاهی شروع می‌شود. این یک کار ساده‌ای نیست". دکتر مرکزی نمایندگان خامنه‌ای در دانشگاهها نیز در بیانیه‌ای که به مناسبت سالروز "وحدت حوزه و دانشگاه" صادر کرده‌اند نسبت به فاصله‌گیری و تقابل روز افزون دانشگاهها از حوزه‌های علمیه هشدار داده‌اند و نوشته‌اند: "در فضای کنونی زمینه‌ها و تلیفاتاتی به گوش می‌رسد که در تلاش است

تمامی فرهنگ و دانش حوزوی را زیر سؤال برد و با بزرگ کردن نقاط ضعف نظام حوزه‌های علمیه و به فراموشی سپردن عظمت و توانایی فقه رایج در حوزه‌ها به این گمان باطل دامن زند که چاره همه چیز در کنار گذاردن فقه رایج و تاسیس فقهی جدید است". این بیانیه در ادامه می‌افزاید: "برخی بلندگوهای مشکوک در آرزوی مایوس ساختن طلاب و دانشجویان متعدد و انقلابی، چنین تبلیغ می‌کنند که همه ضعفهای موجود ناشی از ناتوانی مدیریت کشور در دهه نخست انقلاب است و با ادعای انحصار مدیریت دهه اول انقلاب در دست حوزه‌ها، می‌کوشند تجربه مدیریت روحانیون را شکست خورده اعلام نمایند". این هشدارها خطاب به نیروهای وابسته به رژیم و نشانگر موج بی‌اتمادی است که در میان آنان نسبت به نظام ولایت فقیه پدید آمده و می‌آید و بیش از پیش رژیم را در بحرانی فرهنگی و ایدئولوژیک فرو می‌برد. در پس پرده جار و جنجال پیرامون خط "تهاجم فرهنگی"، کوشش برای سرپوش گذاری بر بحرانی قرار دارد که فرهنگ و ایدئولوژی رژیم را به لرزه در آورده است. رژیم‌هایی که ادعا می‌کرد و می‌کند بالاترین فرهنگ را نه تنها به مردم ایران، بلکه به جهانیان ارائه کرده و انقلاب خود را انقلابی

این همه خرید تسلیحاتی رژیم برای چیست؟

بقیه از صفحه اول

فلیطضاد امریکائی نیست، واقفیت مربوط به خریدهای تسلیحاتی رژیم و حرص و ولعی که یکی دو سال اخیر حکومت جمهوری اسلامی در این زمینه به خرج می‌دهد، بر کسی پوشیده نیست و مسئله‌ای نیست که قابل انکار باشد. جمهوری اسلامی علاوه بر ادامه خرید تسلیحات نظامی از چین و کره شمالی که سالهاست بدان اقدام می‌کند، یک قرارداد ۶ میلیارد دلاری خرید نظامی با شوروی سابق دارد که جمهوری روسیه ادامه اجرای آن را متعهد شده است. به این اقدامات، اخیراً تلاش برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای نیز افزوده شده است. هم اکنون جمهوری‌های دارای توان هسته‌ای شوروی سابق، برای بدست آوردن پول و کارشناسان هسته‌ای آنها برای پیدا کردن شغل و همینطور کره شمالی پس از امضای قرارداد با کره جنوبی برای برچیدن تجهیزات هسته‌ای خود، محلها و امکانات مناسبی برای کشورهای چون جمهوری اسلامی برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای هستند. علیرغم تکذیب‌های مقامات جمهوری اسلامی، این امر دیگر مسلم شده و اظهارات اخیر رئیس موسسه انرژی هسته‌ای شوروی سابق دایر بر تلاش برخی کشورها از جمله لیبی برای جلب و جذب کارشناسان هسته‌ای شوروی و اینکه پیشنهادهای خوبی از جانب این کشورها به این کارشناسان شده است، این مسئله را کاملاً تأیید می‌کند. رئیس موسسه انرژی اتمی شوروی سابق از جمهوری اسلامی نامی نبرد اما بطور قطع جمهوری اسلامی یکی از آن طرف‌هایی است که برای جلب کارشناسان هسته‌ای شوروی

در تلاش بوده و هست. اما مسئله این است که این حرص و ولع از جانب حکام جمهوری اسلامی برای انبار کردن سلاح چیست؟ سؤال این است که کشورها اکنون و یا در آینده از جانب کدامیک از کشورهای منطقه یا خارج از منطقه در معرض تهدید است؟ اگر نیست پس این خریدها برای چیست؟ آیا خرید و انبار تسلیحات به معنای این نیست که جمهوری اسلامی مقاصد سلطه طلبانه و یا احیاناً توسعه طلبانه دارد؟ آیا کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در این صورت محق نیستند که نسبت به مقاصد سوپنانه‌ای در نزد مقامات اسلامی تهران بدبین باشند و آن را دلیل هدم پذیرش همکاری با ایران در تأمین امنیت و ثبات منطقه بدانند؟ آیا همین سیاست تسلیحاتی رژیم به دست این کشورها بهانه نمی‌دهد تا برای تأمین امنیت خود به انعقاد پیمان‌های نظامی با امریکا روی بیاورند؟

وجه مهم سیاست خرید تسلیحات نظامی از سوی جمهوری اسلامی برای مردم ایران در حال حاضر بیش از هر چیز در آن است که در شرایطی که کشور ما گرفتار ویرانی‌های بجای مانده از ۸ سال جنگ ویرانگر با عراق و زلزله مخرب شمال و سیل در مناطق مرکزی و جنوب کشور است و صدها هزار نفر هنوز آواره و بی سر پناه و بی خانمان اند، در شرایطی اکثریت مردم کشور ما به دلیل ۱۳ سال حکومت خانمان برابده حکام جمهوری اسلامی به فقر و فلاکت افتاده‌اند، چگونه سران رژیم به خود اجازه می‌دهند ثروت و منابع کشور به جای استفاده برای رفع نیازهای اولیه آنها، خرج توپ و تانک نمایند؟

در حاشیه رویدادهای سیاسی

خامنه‌ای و ملاقات نمایندگان با منتظری

مرتضی الویری در پاسخ به سئوالات دانشجویان گوشه دیگر از جریان ملاقات هده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با منتظری و برخورد خامنه‌ای با این موضوع را آشکار کرد. او در دومین نشست از "سلسله بحث‌های بررسی عملکرد برنامه پنجاه ساله دولت" که در دانشکده اقتصاد دانشگاه بهشتی برگزار می‌شود، در مقابل این سؤال که "هفت احضار شما به دادگاه ویژه روحانیت" چیست، گفت: "حدود یک ماه قبل از برگزاری کنفرانس فلسطین تعدادی از نمایندگان مجلس از جمله اینجانب به سرپرستی آقای ماشمیان جهت دیدار از آیات عظام از جمله آیت اله منتظری به قم رفتیم که پس از بازگشت آقای ماشمیان به دادگاه ویژه روحانیت احضار شدند". وی اضافه کرد: "من در نطق پیش از دستور اخیر خود در مجلس این مسئله را توضیح دادم و گفتم که مقلد آیت اله منتظری هستم چرا که مسئله تقلید اجباری نیست" و "به دنبال موضوع فوق

محمتر از آن ارگانهای سرکوب می‌توانند با شدت بیشتری در این جهت به کار گرفته شوند. سخنان خامنه‌ای، واکنشهای خشمگینانه‌ای که از سوی برخی نهادها و مسئولان و روزنامه‌های وابسته به رژیم نظیر کیهان علیه جریان فرهنگی موجود در جامعه و "نشمه‌های ناساز" در حکومت و ابراز می‌شود، این نگرانی را دامن می‌زند که اقدامات سرکوب کننده در آینده تشدید شود. پیشبرد چنین سیاستی با دو مانع جدی مواجه است. از یک سو فعالیت‌های محافل، انجمن‌ها و نشریات ادبی و فرهنگی و روشنگرانه اکنون آنچنان دامنه گسترده و نیرومندی یافته است که مقابله سرکوبگرانه با آن به آسانی و بدون تن دادن به ریسکی با نتایج غیر قابل پیش بینی، امکان پذیر نیست. از سوی دیگر رژیم در تنظیم سیاست سرکوب فرهنگی با اختلاف و بحران دست به گریبان است. نیروهایی در رژیم وجود دارند که با انگیزه‌های مختلف، با تعابیر "رهبر انقلاب" و طینی که خواهان سرکوب جریان فرهنگی داخل جامعه هستند، موافق نیستند و همین اختلاف و بحران همیق فرهنگی - ایدئولوژیک و سیاسی، امکانات رژیم را در مقابله موثر با نهضت روشنگری کاهش می‌دهد.

مناظره با اعضای شورای نگهبان برگزار شد

پس از یک کشمکش چند ماهه بین حامیان دو جناح حکومت در مجلس شورای و در مطبوعات بر سر مناظره با اعضای شورای نگهبان در خصوص تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی، سرانجام این مناظره برگزار شد. هیئت رئیسه مجلس شورای، بیات نایب رئیس اول مجلس شورای و رشیدیان نماینده آبادان را برای شرکت در این مناظره انتخاب کرده بود. رشیدیان در این مناظره شرکت نداشت، بگفته او زمانی که او در مسافرت بوده این مناظره انجام گرفته است بدون اینکه با اطلاعی داده شده باشد.

این دعوت که ابتدا توسط گروهی انجام گرفت، با عکس العمل طرفداران ائتلاف حاکم در مجلس شورا و در مطبوعات مواجه شد. بعد از درخواست هیات رئیسه مجلس شورا از شورای نگهبان برای برگزاری مناظره، علی اکبر پرورش نماینده اصغهان در سخنان پیش از دستور خود در مجلس کوشید هیئت رئیسه را از این کار منصرف سازد ولی موفق نگردید.

طرفداران ائتلاف حاکم برگزاری مناظره را به معنی شکستن "قداست شورای نگهبان" و "نصل الخطاب‌های" نظام جمهوری اسلامی تلقی می‌کنند. عباسی نماینده بندر عباس بعد از برگزاری مناظره می‌گوید: "برخورد با شورای نگهبان و دعوت از آن به مناظره یادآور ناخوشایند یادآور مشروطیت و اوائل پیروزی انقلاب که

مقام رهبری تذکراتی به اینجانب دادند که تضعیف دادگاه ویژه روحانیت به هیچ وجه صحیح نمی‌باشد بنده نیز طی یادداشتی به مقام رهبری اطلاع دادم که در این باره دیگر سخن نگویم". ملاقات هده‌ای از نمایندگان مجلس با منتظری با عکس العمل تند دادگاه روحانیت، جناح رسالت و

خامنه‌ای مواجه شد. سخنان الویری نشان می‌دهد که خامنه‌ای در این جریان علاوه بر راه انداختن ماشین دادگاه "روحانیت ویژه" شخصاً وارد جریان شده و ملاقات کنندگان را تحت فشار گذاشته است. و تحت این فشارها برخی از آنها از موضع خود پس کشیده و برخی دیگر نظیر الویری تنها قول دادند که در این باره دیگر صحبت نکنند. درگیری بر سر ملاقات با منتظری اکنون فرو نشسته است ولی بحران سیاسی حکومت که زمینه چنین ملاقاتی را فراهم آورده بود، هم چنان باقی است.

دادگاه عالی سوئیس

از آزادی مامور رژیم خودداری کرد

دادگاه عالی سوئیس تقاضای جمهوری اسلامی مبنی بر آزادی "ضیاء سرحدی" حامل رژیم در سفارت جمهوری اسلامی در سوئیس را رد کرد و بار دیگر تأکید نمود وی بر خلاف ادعای حکومت ایران از مصونیت دیپلماتیک برخوردار نبوده است. ضیاء سرحدی روز دوم دیماه (۲۳ دسامبر گذشته) توسط پلیس سوئیس در شهر برن دستگیر شد. این دستگیری به درخواست پلیس فرانسه و در ارتباط با قتل شاپور بختیار و همکار وی سروش کتیبه صورت گرفت.

جمهوری اسلامی بلافاصله پس از دستگیری مامور خود در سوئیس تلاش وسیعی را برای جلوگیری از انتقال وی به فرانسه و آزادی او آغاز کرد و کارمندان سفارت سوئیس در تهران را به تلافی اقدام پلیس آن کشور تحت فشار قرار داد. بر اثر این فشارها دولت سوئیس سفارت خود در تهران را تعطیل کرد. هر چند این تعطیلی یک هفته بیشتر به طول نینجامید، اما روابط جمهوری اسلامی و سوئیس که در مدتی کوتاه به شدت رو به تیره‌گی نهاد، کماکان تیره و خصمانه باقی مانده است.

جمهوری اسلامی حساسیت ویژه‌ای نسبت به انتقال سرحدی به فرانسه نشان داده است. این حساسیت این گمان را تقویت کرده که انتقال مامور رژیم به فرانسه و تحقیقات از وی می‌تواند در روشن شدن نقاط تاریک قتل بختیار و روشن شدن دست عوامل رژیم در آن، موثر واقع شود. دولت سوئیس تاکنون به

درخواست فرانسه مبنی بر انتقال سرحدی به آن کشور نیز پاسخ مثبت نداده است. مطابق قوانین این کشور چنین انتقالی فقط پس از طی پروسه‌های قانونی که با توجه به فعالیت‌های جمهوری اسلامی بخاطر ممانعت از این امر ممکن است ماهها به طول انجامد، می‌تواند انجام شود.

تحقیقات تاکنون پلیس فرانسه نظر تقریباً تمامی گروه‌های سیاسی ایرانی را که قتل بختیار را کار عوامل جمهوری اسلامی دانسته‌اند، تقویت کرده است. اپوزیسیون ایران و همچنین بسیاری از نیروی دموکراتیک فرانسه تاکنون بارها از سازمان قضایی آن کشور خواسته‌اند، تا بدون توجه به محاسبات سیاسی و روابط تهران و پاریس نقش جمهوری اسلامی در این جنایت را بگری و نتایج آن را اعلام نماید.

انجمن‌های فرهنگی بدون مجوز ممنوع شدند

بقیه از صفحه اول چه تنگ تر کرده است این قبیل انجمن‌ها کار در خور ستایشی را پیش می‌برند. اخیراً قشری‌ترین نهادها و مطبوعات جمهوری اسلامی حمله خود را متوجه این قبیل انجمن‌ها کرده‌اند و مزمزمان با حمله به مطبوعات مستقل خواهان اعمال تضعیقات بیشتر برای این انجمن‌ها شده‌اند. آنها تاکنون توانسته‌اند وزارت ارشاد را به انجام بسیاری از خواسته‌های خود وادار کنند که از آخرین نمونه‌های آن توقیف نشریه گردون است. قشریون بدنبال این

پیروزی‌ها، اکنون در میان مطبوعات مستقل حمله خود راهبیه کلک و در میان انجمن‌ها علیه "انجمن حافظان فرهنگ و هنر ایران" متمرکز کرده‌اند. اطلاعاتیه وزارت ارشاد به معنی تمکین به خواسته قشریون است و نتیجه آن بی‌گمان اعمال محدودیت‌های تازه برای فعالیت انجمن‌های فرهنگی خواهد بود.

یا که‌های مالی خود سازمان را در انجام وظایفش یاری رسانند

از میان رویدادها

رفع اشغال دفتر نهضت آزادی

دفتر نهضت آزادی در تهران پس از سه بار اشغال، به مالک آن بازگردانده شد. در سال ۱۳۶۷ بدنبال نشر و پخش چند نامه از سوی نهضت آزادی در انتقاد به سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی، این دفتر مورد حمله گماشتگان رژیم و پاسداران کمیته قرار گرفت و به اشغال آنان درآمد. بدنبال این تهاجم، دادستانی انقلاب اسلامی فعالیت سیاسی نهضت آزادی را به حال تعلیق آورد و در دفترش رالاک

هزینه امانات پستی به خارج از کشور چند برابر افزایش یافت

روز دهم دیماه، نرخ حمل امانات پستی به مقصد خارج از کشور به ۵ تا ۳ برابر افزایش یافت. معاون فنی شرکت پست جمهوری اسلامی ایران در تشریح تصمیم فوق گفت این اقدام بر مبنای تصمیمات کنفرانس اتحادیه جهانی پست در سال ۱۹۸۴ اتخاذ شده است. مقام مذکور افزود: در محاسبه نرخ امانات پستی کشور چهار فاکتور وجود دارد که کلیه کشورها بر مبنای این ۴ عامل تعیین می شود. وی این چهار عامل را به شرح زیر برشمرد: حق السهم ورودی کشور، مقصد بر اساس دلار ۷۰ ریالی، حق السهم خروجی کشور مبدأ بر اساس ریال، هزینه حمل هوایی بر مبنای دلار ۶۰۰ ریالی و هزینه حمل محموله و توزیع آن در داخل کشور بر مبنای دلار ۶۰۰ ریالی. معاون شرکت پست مدعی شد که

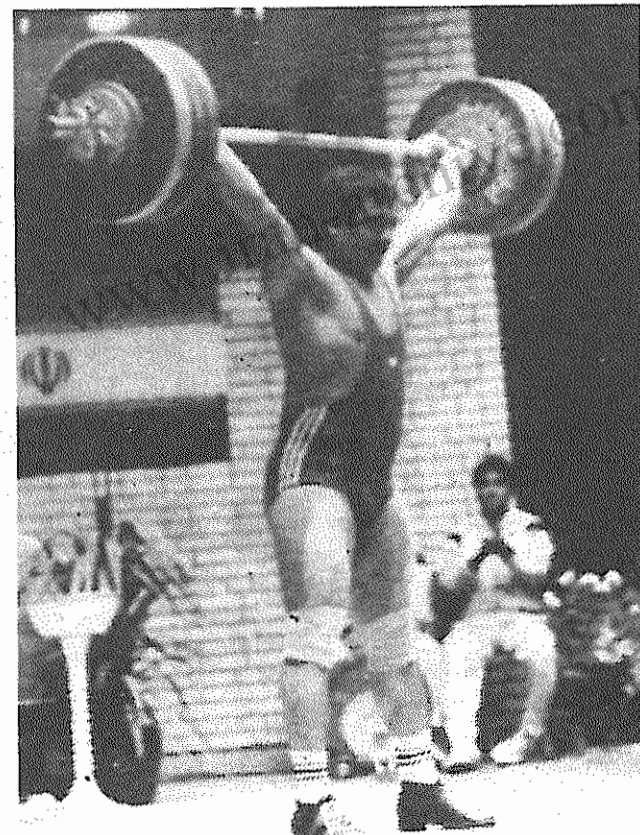
ادامه تنش در مناسبات ایران و ترکیه

تنش در مناسبات دو دولت ایران و ترکیه شدت بیشتری یافته است. به رغم تکذیب‌های مکرر جمهوری اسلامی، وزارت امور خارجه ترکیه رسماً ایران را متهم به حمایت نظامی از سازمان‌های سیاسی کردستان ترکیه کرده است. وزارت خارجه ایران اگر چه این اتهام را تکذیب می‌کند، اما در مواجعه با آن واکنش در برابر حملات مطبوعات ترکیه با احتیاط عمل می‌کند. نیروهای نظامی ترکیه به داخل خاک ایران نیز چشم‌پوشانه عمل کرد. در ماه گذشته واحدهای نظامی ترکیه به بهانه تعقیب چریک‌های کرد تا چند کیلومتر در خاک آذربایجان فزونی بیشتری کردند. جمهوری اسلامی از دولت ترکیه خواسته است که هیاتی را برای مذاکره پیرامون اتهام حمایت ایران از چریک‌های کرد ترکیه بپذیرد. به نوشته مطبوعات تهران ترکیه حاضر به پذیرش این پیشنهاد نشده است. به احتمال زیاد هیات مزبور می‌بایست حامل پیشنهادات متقابل جمهوری اسلامی در اعمال محدودیت برای ایرانیان مخیم ترکیه و پناهندگان سیاسی بوده باشد.

کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی

در هفته‌های اخیر قیمت نفت در بازارهای جهانی بطور بیسابقه‌ای سیر نزولی یافت و در فاصله کمتر از یک ماه بهای هر بشکه نفت به سطح کمتر ۱۵ دلار رسید. پیش از آن متوسط بهای نفت در بازارهای جهانی حدود ۲۰ دلار بود. عوامل چندی از جمله افزایش تولید نفت از سوی برخی اعضای اوپک از جمله عربستان سعودی و ونزوئلا، آماده شدن کویت برای تولید و عرضه نفت، انتشار خبر مربوط به احتمال از سر گیری صدور نفت از سوی عراق در این سقوط بهای نفت تاثیر دارد. به این عوامل وجود رکود اقتصادی در برخی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری از جمله آمریکا را باید اضافه کرد که تا حدی در کاهش تقاضای نفت تاثیر خود را بجای می‌گذارد. اما بطور

وزنه برداری ایران در مقام سوم آسیا



در بیست و سومین دوره مسابقات وزنه برداری آسیا که در ژاپن برگزار شد تیم ملی ایران به مقام سوم دست یافت. این نخستین عنوان آسیایی وزنه برداری ایران پس از مسابقه وزنه برداری قهرمانی آسیا در سال ۶۴ که در ایران برگزار شده بود، می‌باشد. در مسابقه امسال

آغاز ثبت نام کاندیداهای نمایندگی مجلس چهارم

در حالیکه کمتر از سه ماه به انتخابات دوره چهارم مجلس باقی مانده، مجلس سوم طرح تازه‌ای برای نحوه انجام انتخابات تصویب کرده است. از جمله مواد طرح مزبور این است که مجلس به خواست شورای نگهبان مبنی بر کنترل اجرائی انتخابات کردن

در سال آینده نرخ ارز واحد می شود

دکتر کاشان معاون ارزی بانک مرکزی اعلام داشت از سال آینده نرخ دولتی ارز ملغی می‌شود. به گفته این مقام به جای نرخ‌های متعدد ارزهای خارجی که اکنون جاری است، نرخ واحدی مقرر خواهد شد. سخنان معاون بانک مرکزی بدین معنی است که در سال آینده نرخ ریال در برابر ارزهای خارجی تا چند برابر کاهش خواهد یافت. دکتر کاشان پیرامون حد ستوسط ارزش ریال تنها اشاره کرد که نرخ واحد برای ارزشین تراز نرخ ارز شناور خواهد بود.

علاقه سپاه به پروژه‌های میلیار دی

سپاه پاسداران اعلام داشته است که این ارگان یک پروژه هم‌رانی ۴۰۰ میلیارد ریالی را در خوزستان در دست اجرا دارد. این پروژه چند فقره عملیات سد سازی است. هم‌چنین محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران در گفتگویی اعلام داشته است که سپاه خواستار بر عهده گرفتن اجرای طرح احداث خط آهن مشهد- سرخس شده است. علاقه فرماندهان سپاه پاسداران به انجام پروژه‌های بزرگ عمرانی سؤال برانگیز است. اگر چه بهره‌گیری از امکانات نیروهای مسلح برای عملیات عمرانی فی‌نفسه مفید می‌باشد. اکنون در ایران سنگت‌ترین درآمد نصیب این ارگان سازد.

وقتی که دفتر تبلیغات اسلامی نشریه زنانه منتشر می‌کند

از سوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نشریه تازه‌ای به نام "پیام زن" منتشر شده است. این نشریه قرار است خواسته‌ها و نظرات زنان مسلمان مورد نظر حوزه را منتشر سازد. گفتنی است که مدیر مسئول نشریه آقای مهابادی و سردبیر آن آقای مرتضوی هستند!

دولت ترکیه در صدد تحویل دهها پناهنده ایرانی به حکومت اسلامی است

بقیه از صحنه اول گرفته است. دستگیری این عده که برخلاف کلیه مقررات و قوانین بین‌المللی صورت گرفته و خطر تحویل آنها به دولت جمهوری اسلامی در چهارچوب گفتگوها و توافق‌های پنجان دو رژیم در جهت همکاری‌های امنیتی به قصد سرکوب نیروهای مخالف دو رژیم صورت می‌گیرد. چندی پیش رژیم ترکیه مدعی حمایت نظامی جمهوری اسلامی از سازمان‌های سیاسی کرد ترکیه شد. مطبوعات دولتی تهران که نظر مقامات رسمی رژیم را بازتاب می‌دهند در پاسخ به اتهامات ترکیه، به حضور و تردد ایرانیان مخالف رژیم در ترکیه اشاره کرده و خواهان اقدام دولت ترکیه علیه ایرانیان مخالف رژیم در آن کشور شده‌اند. طی چند سال اخیر مقامات ایرانی مکرراً این خواست را در برابر دولت ترکیه عنوان کرده‌اند. اقدام دولت ترکیه در دستگیری هم‌زمان تعداد زیادی از ایرانیان مخالف رژیم در آنکارا و استانبول

را باید در چهارچوبه توافقات دو کشور در مورد همکاری بیشتر برای مبارزه با مخالفین دو رژیم ارزیابی کرد. هلیرفتم تشنج روابط دو کشور دیدار رفسنجانی و اوزال در داکادر جریان کنفرانس سران کشورهای اسلامی موجب چنین توافقاتی را فراهم آورده است. ما اقدام دولت ترکیه در دستگیری ایرانیان مقیم آن کشور را به شدت محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی فوری آنها هستیم. بر جهانیان و سازمان‌های بین‌المللی پوشیده نیست، که حکومت اسلامی با مخالفین خود چه برخورد و حشیانه و سبانه‌ای دارد و در صورت استرداد افراد دستگیر شده به حکومت اسلامی چه سرنوشتی در انتظار آنهاست. ما توجه کمیساریای پناهندگی سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی دفاع از حقوق بشر را به خطری که جان هم میهنان دستگیر شده ما را تهدید می‌کند جلب کرده و خواهان اعمال فشار آنها به دولت ترکیه برای آزادی کلیه دستگیر شدگان هستیم.



طرح پیشنهادی

برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد

نامه به خوانندگان این سند :

در نشست عمومی تدوین کنندگان "طرح پیشنهادی برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد" در اول دی ماه ۱۳۷۰، تصمیمات زیر اتخاذ شد:

- ۱- طرح پیشنهادی برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد "با امضا تدوین کنندگان آن انتشار بیرونی بیاید."
- ۲- کمیسیونی برای انتشار "بولتن بحث حول طرح پیشنهادی برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد" انتخاب گردید.
- ۳- کمیسیونی برای بررسی امکانات مالی و فنی و راه‌های عملی برای انتشار یک نشریه مشترک سیاسی-خبری تعیین شد.
- ۴- کمیسیونی برای سازمان دهی کنفرانس‌ها، سمینارها و میزگردها انتخاب شد.

نشریه کسج، اکنون با استقبال از چنین تلاش‌هایی که در خدمت همگرایی و نزدیکی نظری و عملی بخشی از اپوزیسیون دموکرات رژیم قرار دارد و ایجاد تشکل سیاسی واحد از نیروهای چپ دموکرات را هدف خود قرار داده است این طرح پیشنهادی را به آگاهی خوانندگان میرساند.

*این طرح با مشارکت و همکاری افرادی تدوین شده و اینک برای بحث و اظهار نظر همه علاقه‌مندان انتشار بیرونی می‌یابد:

آذر نورفریدون عضو شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران، آل ابراهیم محمد عضو شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران، احمدی فریدون عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، امیر خسروی، بابک عضو شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران، پور رضا خلیق، حسن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ثابتیان، منوچهر حزب دموکراتیک مردم ایران، خاناباها تهرانی، مهدی از منفردین، دهکردی پوری از منفردین، راسخ، محمود از منفردین، زربخش مجید از منفردین، عبدالرحیم پور مجید عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، قفاری میت عضو هیات مسئولین سازمان فدائیان خلق ایران، فتاپور مهدی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، فرجاد فرهاد عضو شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران، موشمندی هرمن سازمان فدائیان خلق ایران

مقدمه :

۱- چپ دموکرات ایران، محصول درس آموزی از موفقیت‌ها، شکست‌ها و خطاهای جریان بزرگ و پر قدمت چپ در ایران، و تجلی رشد و تکامل آنست. این تحول به ویژه متأثر از روند سرنوشت ساز انقلاب بهمن و نتایج آن و تحولات چپ در عرصه جهانی و فروپاشی نظام «سوسیالیسم واقعا موجود» است.

۲- در طول بیش از ۸۰ سال، چپ ایران، علیرغم اشتباهات و کژروی‌ها، برای عدالت اجتماعی، علیه دیکتاتوری و برای آزادی‌های سیاسی مبارزه کرده است. بسیاری از بهترین فرزندان این آب و خاک، ده‌ها هزار زنان و مردان شرافتمند ایرانی، در راه تحقق عدالت اجتماعی و شکوفایی میهن مان، برای بهبود شرایط زیست مردم محروم جامعه، برای دستیابی به آزادی‌های سیاسی، در صفوف چپ متشکل بوده و با آن همگامی می‌کردند و در این راه رنج‌ها کشیده و قربانی‌های بی‌شماری داده‌اند.

۳- چپ دموکرات ایران، که بسیاری از فعالان آن، سالیان دراز، در جریان مبارزات طولانی و با تحمل محرومیت‌ها و مشقتها در راه خدمت به مردم و محرومان جامعه کوشیده‌اند، نه می‌خواهد و نه می‌تواند تاریخ خود را نفی کند. لذا همان گونه که به مبارزات چپ ایران در راستای عدالت اجتماعی، علیه دیکتاتوری و برای آزادی‌های سیاسی، افتخار می‌ورزد، پاسخگوی کژ روی‌های آن نیز هست.

۴- چپ‌های دموکرات ایران، علیرغم تعلق به افق‌های سیاسی مختلف و برخورداری از ریشه‌های فرهنگی - مبارزاتی گوناگون، هرکدام به فراخور تجربیات و تحولات گذشته‌ی خود و مواضع و ارزیابی‌های پیشین خود از حوادث ایران و جهان خطوط فکری نادرست را نفی می‌کنند.

چپ دموکرات ایران با انحراف‌هایی چون وابستگی و دنباله‌روی، خدشه دار کردن وجهه‌ی ملی چپ ایران، با تنظیم برنامه‌های سیاسی بر مبنای قطبی‌گرایی، با تفکر استبدادی‌ای که بر بخش‌های گسترده‌ای از این چپ حاکم بوده است، مرزبندی روشنی دارد.

۵- بی‌تردید درس آموزی از فاجعه‌ای که به دنبال انقلاب بهمن و روی کار آمدن روحانیت طرفدار ولایت فقیه بر سر مردم و سازمان‌های سیاسی و سندیکایی ایران فرود آمد، مرزبندی

چپ دموکرات ایران بمتابه یک نیروی اجتماعی، بالقوه از کمیت و کیفیت بالایی برخوردار است. اما پراکندگی‌ها، از کارایی آن می‌کاهد. بنا بر این نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات و پایان دادن به پراکندگی و تبدیل آن به یک نیروی اجتماعی مؤثر ضرورت انکار ناپذیر است، که می‌بایست در راستای تحقق آن مجدداً تلاش کرد.

در پاسخ به چنین ضرورتی، نمایندگان چند سازمان و تعدادی از کادر های منفرد چپ ایران، پس از ماه‌ها تبادل نظر و بحث، سندی که اینک در اختیارتان قرار می‌گیرد، تدوین کرده‌اند. آنچه ما انجام داده‌ایم، طرحی است پیشنهادی و مبنایی برای تبادل نظر است که به سازمانها و فعالان چپ ارائه می‌شود. بنا بر این سندی بی‌عیب و نقص، بسته و پایانی نیست و امیدواریم با مشارکت و تلاش همگانی، تکمیل و غنی‌تر گردد.

از نظر امضاء کنندگان این سند، فعالیت مشترک نیروهای چپ آزادیخواه در زمینه همکاری‌های عملی گسترده، تشکیل سمینارها، بحث‌های آزاد، تشکیل میزگرد و انتشار نشریه مشترک می‌تواند در راستای تحقق ضرورت پیش گفته، مؤثر باشد.

بدون شك برای دستیابی به تعهدات و هدفی که در مصوبه پیوست قید شده‌اند، مشکلات و موانع زیادی در پیش است. پیشرفت این روند قبل از هرچیز در گرو کیفیت مشارکت صاحب نظران، و فعالان و کادر های چپ دموکرات قرار دارد. طبیعی است که شکل گیری چپ دموکرات بمتابه یک جریان سیاسی مؤثر و پویا، در گرو آنست که عناصر سیاست نوین و راه‌های سازماندهی چپ نو اندیش مشخص گردند. و قبل از همه، ضرورت دارد سنن و تفکرات نادرست گذشته را کنار بگذارند و همزمان آرمان عدالتخواهانه خویش را حفظ و هویت نوین خویش را تعیین کنند. باشد که در روند این تلاش همگانی، ما نیروهای چپ آزادیخواه بمتابه یک جریان دموکراتیک و عدالتخواه نقش شایسته خود را در پیکار مردم ایران برای آزادی و عدالت ایفا کنیم.

تذکر این نکته لازم است که امضاء مشترک طرح پیشنهادی، به معنای تأیید تک تک ماده‌های مندرج در این طرح نیست.

با مجموعه دیدگاه ها و سیاست ها و روش هائی را ایجاب می نمود، که بر اساس آنها از سونی بخش عمده ای از نیروهای چپ، در جریان انقلاب بهمن و پس از آن به حمایت از رژیم مرتجع و قرون وسطائی جمهوری اسلامی کشانده شد و عروج و سلطه استبداد هولناک مذهبی را نادیده گرفت، و از سوی دیگر بخش های دیگری از چپ ایران را به چپ روی های زیان بخش سوق داد .

۶ - فروپاشی نظام « سوسیالیسم واقعا موجود » که تجسم واقعی و عملی بنیان های فکری و نظری بخش بزرگی از کمونیست های جهان بود، آشکار شدن بیش از پیش ضعف های ریشه ای آن و خسران و فجایعی که مردم این جوامع از آن دیده اند، شرایط مساعدی برای بازنگری مبانی فکری و سیاسی چپ ایران فراهم ساخت و این روند را تسریع کرد .

۷ - چپ دموکرات ایران هرچند هنوز در روند تعیین و تبیین هویت خویش است، ولی برداشت نو از چپ و جایگاه تاریخی - اجتماعی آن می تواند و باید به پلی برای رفع پراکندگی دیرینه ی جنبش چپ بدل گردد . چپ دموکرات ایران بر این باور است که جریانات گوناگون چپ کشور باید در يك بازنگری تاریخی، که بر اساس ارزش های مشترک صورت می گیرد، در يك جریان و تشکل واحدی گرد آیند . چنین تشکلی، باید سنت های مثبت مجموعه چپ ایران را میراث مشترک خویش قرار دهد .

لذا باید برای نزدیکی عملی و نظری نیروهای چپ دموکرات، در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد فراگیری کوشید . محور اساسی این حرکت و شکل یابی سازمانی، توافق کلی آرمانی و برنامه ای خواهد بود و نه « وحدت ایدئولوژیک » و « وحدت تئوریک » . هرکس می تواند، مستقل از باورهای فلسفی و اعتقادات مذهبی خود، بدان پیوندد .

هویت چپ دموکرات :

امروزه، در میان بسیاری از چپ های دموکرات، دیدگاه ها و نظرهای متفاوتی در باره مفهوم سوسیالیسم، جامعه سوسیالیستی و چگونگی دستیابی به آن وجود دارد . بدیهی است که ارائه ی يك بیان مشترک از این مسائل در يك سند مشترک امری ناممکن است . ولی این واقعیت نمی تواند مانعی برای همکاری نیروها و عناصر چپ دموکرات در مبارزه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی، آزادی، رشد و عدم وابستگی - که با هم پیوند خورده و جدائی ناپذیرند -، در يك تشکل واحد باشد . زیرا همانگونه که در این سند آمده است نه « وحدت در ایدئولوژی » و نه « وحدت در تئوری »، پیش شرط عضویت در يك تشکل واحد است . هر چپ دموکرات در يك تشکل واحد آزاد است درك خود را از مفهوم سوسیالیسم، جامعه سوسیالیستی و چگونگی دستیابی به آن، چه به صورت فردی و چه در همگامی با دیگران، در هر شکلی که صلاح می داند، انتشار دهد و برای آن تبلیغ کند .

وجوه اشتراك نظری و عملی عناصر چپ دموکرات در يك تشکل واحد، خطوط اصلی زیر است که در کلیت خویش، هویت چپ دموکرات را بیان می دارد .

آزادی

۸ - ما به آزادی چون يك ارزش عام بشری و نیاز انسانی می نگرییم و آن را دستاورد کل جامعه بشری می دانیم . آزادی به دست آمده کنونی، محصول مبارزه انسان های تحت ستم و انسان های آزاد منش در طول تاریخ و بویژه مبارزات جنبش کارگری در دو قرن اخیر است، که اینک به صورت مدون در اعلامیه جهانی حقوق بشر و ضمايم آن، متبلور است .

ترجمان عملی درك ما از آزادی در عرصه سیاسی، در حمایت فعال ما از آزادی دگر اندیشان و مخالفان سیاسی و تأمین حقوق دموکراتیک آنان، تجسم می یابد .

۹ - ما معتقد به دو میزان برای آزادی، در آپوزیسیون و در حکومت نیستیم و بر آنیم که آزادی مخالفان، بی تبعیض تأمین گردد و استفاده ی برابر حقوق همگان از امکانات دموکراتیک کشور تضمین شود .

ما مخالف هرگونه نهاد و نظام استبدادی هستیم : تحت هرنام که باشد، خواه اسلام و ولایت فقیه اسلامی، خواه رژیم سلطنتی و خواه دیکتاتوری پرولتاریا و خواه تحت عنوان منافع و مصالح ملی . و هر نوع تحدید آزادی های دموکراتیک را، بویژه برای دگر اندیشان، تحت هرنام و انگیزه ای، مردود می شماریم .

دموکراسی

۱۰ - از دیدگاه چپ دموکرات، دموکراسی چون حاکمیت مردم بر مردم، امری گذرا و خاص نظام سرمایه داری، یا « شعار تاکتیکی »، فرع بر « مصالح عالی تر » و یا تابع « مبارزه و منافع طبقاتی » یا « مبارزه ضد امپریالیستی » نیست . دموکراسی، از مضامین اصلی و جدائی ناپذیر حرکت ماست . چپ دموکرات بطور پی گیر طرفدار دموکراسی، چون مناسب ترین راه تأمین مسالمت آمیز حاکمیت مردم و خواستار گسترش و تعمیق همه جانبه ی آنست .

ما تا به آخر معتقد به مرجعیت و حاکمیت مردم هستیم و انتخاب آزاد آنان را در تعیین دولت و نهاد های حکومتی، قانونی می دانیم .

۱۱ - ما به اصل تناوب و انتقال مسالمت آمیز و دموکراتیک قدرت، ناشی از رای آزاد و قانونی اکثریت مردم معتقدیم . لذا نقض اعمال حاکمیت مردم را، از طرف هر دولت بر سر - کاری محکوم کرده، اقدام علیه آن را حق قانونی و مشروع مردم می دانیم .

استقلال

۱۲ - ما معتقدیم که استقلال سیاسی و اقتصادی لازمه ی بنای

ایرانی آزاد و شکوفاست . نظر به اینکه گسترش روز افزون مراوده ی جهانی و تعمیق وابستگی متقابل ملل به یکدیگر، زندگی در انزوا را غیر ممکن ساخته است، منظور ما از استقلال سیاسی و اقتصادی قطع رابطه با سایر کشور ها، از جمله کشور های قدرتمند جهان و کشیدن حصارى به دور ایران نیست، بلکه اتخاذ تصمیمات مستقلانه بر اساس منافع ملی، تکیه بر حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران و روابط برابرحقوق است .

۱۳ - چپ دموکرات ایران عمیقاً میهن دوست است . افق آرمانی ما، تحقق يك جامعه بشری آزاد و همبسته و سعادت مند در سراسر جهان است . و از همین رو از مبارزات آزادی - خواهانه و عدالت جویانه در جهان حمایت می کنیم .

عدالت اجتماعی

۱۴ - رسالت بنیادین چپ دموکرات تأمین هرچه گسترده تر و عمیق تر عدالت اجتماعی است . اکثریت مردم ایران را طبقات و قشر های محروم و ستمدیده تشکیل می دهند . تأمین حاکمیت مردم بایستی در مسیر استقرار چنان مناسبات اقتصادی - اجتماعی باشد، که نیاز ها و منافع این اکثریت عظیم را در نظر داشته و پاسخگوی آن باشد .

ما بمنابۀ يك جریان چپ دموکرات، بارسالته دفاع از محرومان و زحمتکشان و همه مزد بگیرانی که از طریق کار جسمی و فکری امرار معاش می کنند، مبارزه برای تعمیق دموکراسی سیاسی و رشد اقتصادی را همواره با کوشش در راستای اعتلاء فرهنگی و عدالت اجتماعی پیوند زده و راهنمای مبارزات خود قرار خواهیم داد .

۱۵ - عدالت اجتماعی ضمانتی برای حفظ صلح اجتماعی، استقلال کشور و آزادی های سیاسی است . در عین حال ما تحقق هرچه عمیقتر و گسترده تر عدالت اجتماعی را بر بستر گسترش و تعمیق آزادی ها و حقوق دموکراتیک ممکن می دانیم و معتقدیم که این امر منوط به تحقق زمینه های مادی آن در روند رشد و پیشرفت اقتصادی، غلبه بر عقب ماندگی، تجدد و اعتلاء فرهنگی جامعه ما می باشد .

طبیعی است که در کشور عقب مانده و ویران شده ای چون ایران نمی توان به نا برابریهای اجتماعی بیکپاره پایان داد . ولی می توان آنرا تعدیل نمود و در جهت پایان دادن به آن گام برداشت . باید میان الزامات رشد اقتصادی، تجدد و عدالت اجتماعی توازنی عقلانی بر قرار کرد تا یکی قربانی دیگری نگردد .

به نظر ما شرکت مردم در سرنوشت خویش، به معنای گسترش دموکراسی بر روند تولید و توزیع و مشارکت تولید کنندگان و کار ورزان بخش خدمات در این روند نیز می باشد .

۱۶- دموکراسی و عدالت اجتماعی دو رکن اساسی و جدائی ناپذیر پیکار ماست .

۱۷- رهائی انسان از هرگونه ستم و بهره کشی فرد از فرد، رفع از خود بیگانگی، تأمین و تعالی فرهنگی و رفاه و سعادت انسانها، خواست تاریخی ماست .

۱۸- نظام آرمانی ما تجسم سیاسی - اجتماعی و فرهنگی جامعه ایست که در آن دستیابی به ارزشها و تمایلات والای انسانی که قبلاً اشاره کردیم، میسر گردد . سوسیالیسم آرزوی دور دست ما و محرک ما در مبارزه برای دموکراسی و در گام برداشتن در جهت عدالت اجتماعی و از مؤلفه های هویت چپ دموکرات است .

حقوق اجتماعی

۱۹- ما معتقدیم که هیچ فردی نباید به دلیل جنسیت، نژاد، ملیت و عقیده و مذهب مورد تبعیض قرار گیرد یا امتیازی کسب کند . ما از آزادی کامل افراد جامعه در باور یا عدم باور به ادیان و مذاهب و مکاتب فلسفی و ایدئولوژیک حمایت می کنیم ، لذا طرفدار جدائی دین و هر ایدئولوژی از دولت هستیم و تعیین مذهب یا ایدئولوژی رسمی در کشور را مغایر با اصول فوق می دانیم .

۲۰- چپ دموکرات ایران خواهان برابری حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی است و با تمام اشکال مرد سالاری و نیز برای الغاء کلیه ی قوانین ارتجاعی که مغایر برابری اجتماعی ، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان با مردان می باشند، مبارزه می کند و از مبارزات مستقل زنان در این زمینه پشتیبانی می نماید .

۲۱- چپ دموکرات ایران، بر مبنای اصل دموکراسی و اصل برابر حقوق ملیت ها ، خواستار از میان برداشتن هرگونه ستم و تبعیض ملی است .

۲۲- ما معتقدیم که هر عضو جامعه ی ایرانی باید از حق آموزش و پرورش، بیمه در برابر بیماری، بیکاری، سالخورده گی، معلولیت و حق داشتن مسکن برخوردار باشد و هیچکس از حد اقل شرایط لازم برای زندگی محروم نباشد ، و حق مزدبگیران و حقوق بگیران، در تشکیل اتحادیه ها و انجمن های صنفی تضمین شود .

۲۳- چپ دموکرات ایران برای حق برخورداری از محیط زیست سالم و بهبود آن مبارزه می کند و معتقد است که باید بین رشد اقتصادی و ضرورت حفظ محیط زیست سالم تعادلی منطقی برقرار گردد .

صلح جهانی

۲۴- چپ دموکرات ایران خواهان صلح پایدار جهانی، زدایش جنگ از حیات بشریت و خلع سلاح همگانی است . چپ دموکرات خواستار تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، استقرار نظم اقتصادی عادلانه و برابر حقوق در مناسبات بین المللی، پاسداری خردمندان از محیط زیست در کره زمین، بهره وری دموکراتیک از دستاوردهای علمی و فنی توسط تمام کشورها، امحای مناسبات نابرابر و غارتگرانه بین کشورها و خواهان الغاء نژاد پرستی ، رعایت بدون قید و شرط حقوق بشر در همه کشورها، زدایش قهر در مناسبات بین انسانها و تثبیت ارزش های عموم بشری است . این خواستها بیانگر محتوی انسان دوستانه آماج های چپ دموکراتیک است .

همبستگی

۲۵- ما مدافع اشکال متنوع همبستگی جهانی، در دفاع از صلح، حفظ محیط زیست، مبارزه علیه نظام غیر عادلانه اقتصادی و سیاسی جهان جنونی و در تلاش عمومی برای تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی هستیم .

۲۶- همبستگی سلاح زحمتکشان یدی و فکری در مبارزه برای تأمین عدالت است . تفاهم عمومی مبنای همپاری و

مشارکت مردم ایران در راه درهم شکستن استبداد و پی ریزی جامعه نوین است . ما در راه پی ریزی چنان جامعه ای مبارزه می کنیم که در آن، همبستگی به وجه غالب روابط و مناسبات اجتماعی مبدل شود .

وظیفهء مبرم ما

و راه دستیابی به آن

۲۷- چپ دموکرات، مبارزه برای کسب آزادی و دموکراسی و تأمین حقوق بشر را وظیفهء اولیهء خود می داند . تا مردم بر زمینه، آن، حاکمیت خویش را تأمین کند و جمهوری مورد نظرش را برقرار سازد .

۲۸- ما، نظام جمهوری مبتنی بر کثرت گرایی و دموکراسی پارلمانی را که در آن همه قوا و انتخاب همه نهاد ها ناشی از ارادهء مردم است، شکل مطلوب حاکمیت مردم می دانیم و با تمام نیرو برای تحقق آن مبارزه می کنیم . تعیین نهائی شکل نظام و تدوین قانون اساسی را از وظایف مجلس مؤسسان قانونی و منتخب آزادانه مردم می دانیم . چپ دموکرات، تا استقرار جمهوری مطلوب خود، برای آن مبارزه می کند .

۲۹- مبارزه برای دموکراسی، امر فردای جمهوری اسلامی نیست . چنین مبارزه ای باید از هم اکنون آغاز گردد و پی گیرانه دوام یابد .

مشی سیاسی مطلوب ما برای دستیابی به دموکراسی و تأمین حاکمیت مردم، مبتنی است بر : تقویت ارتباط با مردم، روشنگری، ترویج افکار آزادیخواهانه ، بسیج و تشکل توده ها برای تحقق آزادی ها و حقوق دموکراتیک و مطالبات بحق مردم برای کار و مسکن و معاش آنها، تکیه بر پیکار با استبداد و وادار ساختن رژیم به اتخاذ اقدامات به سود مردم . ما، از هرخواست، مبارزه و اقدامی که متوجه بهبود سطح زندگی مردم ، تقویت دموکراسی و دفاع از منافع ملی باشد، فعلاً نه حمایت می کنیم .

۳۰- چپ دموکرات ایران، می کوشد تا حرکات و تحولات جامعه به سوی دموکراسی، از طریق مبارزهء سیاسی و مسالمت آمیز باشد و برای مقابله با مقاومت خشونت آمیز دستگاه حاکم، از شیوه های سازمان دهی حرکات آگاهانه توده ای، نظیر اعتصابات سراسری و تظاهرات وسیع خیابانی استفاده کرده و شرکت کند . به عبارت دیگر ، چپ دموکرات ایران، مبارزهء سیاسی و سازمان دهی و تجهیز توده ها را شکل اساسی مبارزه برای تحقق دموکراسی در ایران قرار دهد . در عین حال اعلام می کنیم که توسل به قهر و قیام در برابر سیاست و روش سرکوب رژیم را حق طبیعی و مشروع مردم می دانیم . در چنین وضعیتی، سیاست های مقتضی را در برخورد با آن اتخاذ خواهیم کرد .

۳۱- تغییرات و تحولات در دستگاه حاکم را که به کاهش فشار روی مردم منتهی گردد، در شرایط رشد فزایندهء ناراضی های مردم و انزوای روز افزون حاکمیت و تضاد های داخلی رژیم، امری محتمل و مفید می دانیم . چپ دموکرات باید با هشیاری و آمادگی، تاکتیک ها و شعار های متناسب با چنین تغییر و تحولاتی را اتخاذ کند و با پویایی و خلاقیت در مبارزات روزمرهء مردم شرکت نماید .

۳۲- در شرایط کنونی و تا وقتی که نشانی از گشایش سیاسی و نمودی از اصلاحات جدی سیاسی و اجتماعی و فضای باز سیاسی وجود ندارد و کل سیاست نظام بر سرکوب دگراندیشان و عدم تحمل مخالفان استوار است، خواست ما همچنان دستیابی به آزادی های دموکراتیک و امنیت قضائی و تأمین معیشت و رفاه مادی مردم و تمرکز مبارزات ما در این مسیر است . در این راستای عمومی و پایه ای، برای مبارزه با استبداد نقش محوری قائلیم . در سایهء مبارزات مستمر مردم و نیروهای سیاسی است که می توان حد اقل لازم آزادی ها ، به ویژه آزادی مطبوعات و آزادی احزاب را میسر ساخت و شرایطی فراهم آورد که به انکاء آنها بتوان از طریق برگزاری انتخابات آزاد ، حرکت به سوی حاکمیت دموکراتیک مردم را سامان داد . چپ دموکرات ، راه تأمین رأی و ارادهء آزادانه مردم و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی از رژیم استبدادی به رژیم دموکراتیک و استقرار

حاکمیت مردم را برگزاری انتخابات آزاد می داند و برای تحقق آن مبارزه می کند .

۳۳- برای دستیابی و تحقق وظایف فوق الذکر، تمام تلاش لازم را بکار خواهیم برد تا همراه با سایر احزاب و سازمان های ملی - دموکرات، ائتلاف وسیعی از جمهوریخواهان بوجود آید . جبهه ائتلافی جمهوری خواهان ، کارپایه ای برای سازمان دهی مبارزات خود در راه تأمین دموکراسی در ایران و برکناری جمهوری اسلامی و تأمین حاکمیت مردم، تدوین خواهد کرد .

مشخصات جمهوری مورد نظر ما

۳۴- جمهوری مورد نظر ما یک جمهوری پارلمانی است که بر پایه حق آزادانه همه مردم بالغ کشور در انتخاب کردن و انتخاب شدن ، از طریق رأی مستقیم و بلاواسطه و مخفی ، استوار است . در این جمهوری اصل تناوب و انتقال مسالمت آمیز و دموکراتیک قدرت، ناشی از رأی آزاد و قانونی اکثریت رعایت خواهد شد .

۳۵- این جمهوری براساس اصل تفکیک قوا بنا می گردد . استقلال قوه قضائیه و قوه مقننه تضمین می شود . رسانه های گروهی نهاد های مستقل اند و هیچ قدرتی مجاز نیست آزادی عمل شان را نقض کند .

۳۶- در جمهوری مورد نظر ما، آزادی های سیاسی، صنفی و فرهنگی، آزادی مطبوعات ، آزادی بیان و قلم، آزادی اندیشه، آزادی احزاب ، آزادی تجمع و تظاهرات و دیگر آزادی ها و حقوق دموکراتیک مصرح در بیانیه حقوق بشر، برای همه گرایش های سیاسی، فرهنگی، مذهبی و عقیدتی تأمین و قانوناً تضمین می گردد .

۳۷- در جمهوری مورد نظر ما، کلیه حقوق دموکراتیک کارگران، کارمندان ، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، از جمله حق آنها در تشکیل اتحادیه ها و انجمن های صنفی و آزادی اعتصاب، تضمین می شود . سازمان های صنفی، دموکراتیک و سیاسی، از ارکان اصلی دموکراسی در جمهوری است و مورد حمایت قانونی قرار می گیرد . قانون کار بر پایه دفاع از منافع مزد بگیران و برابری حقوق زن و مرد و مشارکت کارگران و کارمندان در مدیریت واحد های اقتصادی استوار است و با شرکت سندیکا ها و اتحادیه های مزد بگیران تدوین می شود .

۳۸- در جمهوری مورد نظر ما، سازمان مدیریت جامعه باید بر اصل جدائی دین یا ایدئولوژی از دولت و تساوی حقوق همه مردم در مقابل قانون استوار باشد . آزادی کامل افراد جامعه در باور یا عدم باور به ادیان و مذاهب و مکاتب فلسفی و ایدئولوژیک قانوناً تضمین گردد و هرگونه اعمال فشار و محدودیت بر آنها مورد پیگرد قانونی قرار گیرد .

۳۹- در جمهوری مطلوب ما مجازات اعدام و هرگونه شکنجه روحی و جسمی، به هر شکل و روش و بهانه ای باید ممنوع شود . این جمهوری متکی بر قانون است و همه مردم در برابر قانون برابرند . باید شرایطی فراهم گردد تا ثروت و مال و منال یا موقعیت اجتماعی، محرومان کشور را از حقوق برابر در مقابل قانون محروم نسازد .

۴۰- در جمهوری مورد نظر ما کلیه قوانینی که برابری اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان با مردان را محدود یا نفی می کند، لغو خواهد شد . انتخاب پوشش آزاد است از دواج درستی پائین و چند همسری ممنوع می باشد .

۴۱- در جمهوری مورد نظر ما، آموزش دبستانی و راهنمایی رایگان و اجباری است . آموزش حرفه ای و دبیرستانی و دانشگاهی رایگان است و به دانشجویان نیازمند، وام و هزینه زندگی پرداخت می شود .

۴۲- در جمهوری مورد نظر ما باید امکانات لازم برای برخورداری همه مردم از بیمه درمانی، بیمه بیکاری، بیمه اجتماعی معلولیت و سالخوردگی فراهم آید .

۴۳- به منظور از میان برداشتن هرگونه ستم و تبعیض ملی و رفع دیگر مصائب ناشی از وجود یک دولت مرکزی قدر - قدرت، جمهوری مورد نظر ما باید ساختاری فدرالیستی داشته باشد .

فدرالیسم در ایران چه به دلیل وجود ملیت های گوناگون، چه به دلیل نقش دولت مقتدر مرکزی در شکل گیری

استبداد و دیوان سالاری، چه به دلیل ناموزونی و ناهماهنگی رشد اقتصادی در بخش های مختلف ایران، می تواند نقش اساسی در استقرار و تثبیت آزادی های سیاسی، رفع ناموزونی های اقتصادی و اجتماعی و اعتلاء فرهنگی، رفع اشکال مختلف تبعیض و ستم ملی و حفظ تمامیت ارضی ایران، ایفا نماید .

فدرالیسم مورد نظر ما، بالطبع نمی تواند تنها بر اساس ملیت و زبان شکل گیرد . در این شکل گیری باید ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تعادل مردم، اصل آمیزش و تداخل اقتصادی و پیشرفت سریع و حل معضل واپس ماندگی و فقر در تمام ایران، مد نظر قرار گیرد . و رابطه مناطق فدرال و دولت مرکزی بر مبنای اصول بازار واحد، سیاست گذاری دراز مدت مشترک در خدمت رشد اقتصادی سریع مناطق عقب مانده ، پاسداری از زبان مادری و یادگارها و ارزش های قومی و ملی، آموزش زبان فارسی به مثابه زبان مشترک تنظیم گردد (*)

۴۴- در جمهوری مورد نظر ما، وظیفه ارتش پاسداری از مرز های کشور است . سیاست دفاع ملی در تناسب با توانائی های اقتصادی کشور ترسیم می شود . ارتش ملی در اساس بر پایه خدمت وظیفه عمومی به منظور دفاع از میهن در برابر تعرضات خارجی سازمان می یابد . ارتش به عنوان یک نهاد نظامی حق دخالت در امور کشوری را ندارد . نظامیان از حقوق برابر با همه شهروندان برخوردارند .

۴۵- در جمهوری مورد نظر ما، معتقد به پذیرش اقتصاد چند ساختاری و تنوع مالکیت ، شامل بخش های خصوصی انتفاعی و غیرانتفاعی، مالکیت دولتی، تعاونی و پیشه وری هستیم . دولت در شرایط و چارچوب همزیستی و هماهنگی و رقابت ، بخش های مختلف اقتصاد را مطابق با قوانین مصوب مجلس نمایندگان مردم تنظیم می کند . و مناسبات آنها را بر اساس نیاز های مردم و بهبود شرایط مادی زندگی و احتیاجات اقشار محروم جامعه و حفظ محیط زیست و استفاده معقول از منابع طبیعی کشور، برقرار می - سازد . تعدیل شکاف طبقاتی با استفاده از اهرم های اقتصادی و از جمله مالیات های تصاعدی بر درآمد های بالا صورت می گیرد، که میزان آن را قانون تعیین می کند .

۴۶- سیاست خارجی کشور با حرکت از منافع ملی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و عدم وابستگی به قدرت های بزرگ جهان تنظیم می شود . سیاست خارجی ایران بر اساس صلح و مودت در منطقه و جهان ، در مخالفت با جنگ افروزی و تجاوز و برای محو سلاحهای هسته ای و شیمیائی و بیولوژیکی و همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان و عدم مداخله در امور آنان و پذیرش اصل حقوق برابر کشور ها، استوار است . پیروی از اصل سیاست عدم تعهد و دفاع از مبارزات سایر ملل برای آزادی و استقلال ملی، علیه تبعیض نژادی و حمایت از حقوق ملل فقیر و عقب مانده، جهان ، از پایه های اصلی سیاست خارجی ماست . ما خواستار احترام به حقوق و قوانین بین الملل، تقویت سازمان ملل متحد و جنبش غیر متعهد ها، همکاری با جنبش صلح و محیط زیست و طرفدار نظم عادلانه اقتصادی در جهان هستیم .

*در رابطه با این ماده، بابک امیر خسروی نظر مخالف داده که متن آن در ضمیمه آمده است .

به هرحال، تصمیم در این باره و با هر شکل احتمالی مناسب دیگر، را باید به هیئت مجلس سؤسان و اظهار نظر خبرگان گذاشت .

نظر من اینست که بجای ماده ۱۲، فرمول زیر مورد توجه قرار گیرد :

در جمهوری آینده ایران، ما خواستار از میان برداشتن هرگونه ستم و تبعیض، پرورده ستم و تبعیض ملی در کشوری هستیم که «تیمار نوس، برهنه، زین سفید» در آن از برای هزاره ها، همزیستی داشته و با رشته های تاریخی، فرهنگی و عاطفی متعددی، به هم پیوند خورده و ملت ایران را تشکیل می - دهند . از دیدگاه ما، دموکراسی و حقوق بشر و استقرار صلح و آرامش پایدار و دوستی میان اقوام ساکن ایران با تأمین خراست خودمختاری اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با آموزش زبان مادری در پیوند است ما مدافع خواست خودمختاری برای اقوام ساکن ایران در چارچوب ایران واحد و توحید ناپذیر و با تعهد به حفظ تمامیت ارضی و استقلال و حاکمیت ملی ایرانیم . و اساساً وجود یک دولت غیر متمرکز و اعطاء اختیارات محلی را همانند تمام دموکراسی در کشور و از الزامات رشد سوزن اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی عامل مهمی برای رفع عقب ماندگی مناطق مختلف کشور، می دانیم . در این رابطه، احیاء فکر انجمن های ایالتی و ولایتی را چون شکلی از خودمختاری، با تصمیم آن به نام کشور، که از دستاوردهای مترقی و ارزشمند انقلاب مشروطیت است، به قید تکمیل و تضمین آن، با توجه به الزامات روز، در خود توجه می دانیم . به هرحال مخالف اشکال دیگر کشوری غیر متمرکز و تصمیم نهائی در باره آن را از وظایف مجلس سؤسان منتخب مردم بشمار می آوریم .

در فرمول پیشنهادی (ماده ۱۲) از نظر شکل دولتی، باید توجه داشت که مصالح فدرالیسم به اندازه لازم مطالعه نشده و اطلاعات ما کافی نیست . هم نمونه جمهوری فدراتیو المان را داریم که موفق است و هم جمهوری فدراتیو برکسلاوی را که یک فاجعه می باشد . اتفاقاً نمونه برکسلاوی از نظر ترکیب ملی و قومی و عقب ماندگی موسمی بیشتر شبیه ایرانتست تا المان فدرال . از سوی دیگر وضع المان که تا یک قرن پیش هنوز دولت واحدی نداشت درمطابق با ایران که چندین هزار سال است از طریق حکومت مرکزی واحد اداره می شود، بکلی فرق دارد . اصولاً تغییرات در ایران نباید اندر غیر منتظره باشد که به تلاشی کشور پیشجامد فرمول های به اندازه کافی مطالعه نشده، می تواند ضرر های جدی داشته باشد . چنین راه حل هائی نیاز به کار متخصصان دارند . به نظر من ما نباید وارد مطالبی بشویم که بعداً خارج شدن از آن دشوار باشد . چه دموکرات چند نکته را لازم است تأکید کند :

۱- در چارچوب ایران واحد و حفظ تمامیت ارضی ایران، از خواست خودمختاری که حزب دموکرات کورستان ایران و سایر سازمانهای ملی - دموکراتیک مطرح می کنند، پشتیبانی شود .
۲- پذیرش شیوه حکومت مداری غیر متمرکز و دادن اختیارات به ایالات و ولایات برای تصدی اداره امور استانها، اقتصاد محلی ، فرهنگ و زبان به ویژه در مناطقی که چنین تغییراتی اعمال می شود، بدون آنکه جنبه ملوک الطوایفی داشته باشد . در این رابطه، تجربه انجمن های ایالتی و ولایتی که یک ابتکار انقلابی دوران مشروطه و برخاسته از آذربایجان و یک ابتکار ملی است، می تواند مفید باشد

کدام مشی سیاسی؟

قرابانعلی عبدالرحیم پور

حکومت موقت انقلابی تشکیل داد، آنگاه باید امیدوار بود این دولت موقت ... انتخابات آزاد را برای تشکیل مجلس موسسان و پایه ریزی یک نظام سیاسی نوین برگزار کند. این الگوی کلاسیک خط مشی انقلاب سیاسی است. با این تفاوت که شورای مرکزی اکثریت بجای حکومت موقت و مجلس موسسان که مکمل شعار سرنگونی اند، شعار انتخابات آزاد اول شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، "انتخابات آزاد" را به بعد از رفتن حکومت موقت موقوف نکرده بود (بعد از گذشت دوام نیز چنین نکرده است)، بلکه قبل از آن و برای آمدن یک "بديل يا آلترناتیو واقعی" به جای آن، مطرح کرده است. ثانیاً به برگزاری انتخابات آزاد، هم بمثابه شکل گذار از استبداد به دموکراسی و هم بمثابه شیوه دموکراتیک تعیین حکومت در جامعه آزاد و دموکراتیک معتقد است. ثالثاً تشکیل دولت موقت، الزاماً و هیئتاً معادل انقلاب سیاسی نیست. دولت موقت می تواند در شرایطی، غیر انقلاب سیاسی نیز مطرح شود. و اما کلاسیک نامیدن و تخطئه کردن تلاش در راستای "رفتن یکی و آمدن دیگری" و "تشکیل مجلس موسسان" مطلق کردن تحولات آتی جامعه در سخن خود می باشد، مانمی توانیم از هم اکنون تصویر کلیشه ای از آنچه که در آینده دور روی خواهد داد، ارائه بدهیم و بر مبنای آن مناسبات خود را بادیگر نیروهای سیاسی مدافع آزادی و دموکراسی و مخالف حکومت مبتنی بر استبداد و دین تنظیم کنیم. جنبش سیاسی ایران، از این تصویر سازی های کلیشه ای و مذهبی گونه کم لطمه ندیده است.

درباره کلاسیک بودن تلاش برای تشکیل مجلس موسسان نیز لازم است نکاتی را متذکر شویم. بنظر می رسد، بعد از ۱۳ سال تجربه مستقیم "مجلس خبرگان"، برای طرفداران دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم، روشن شده باشد که جلوگیری از تشکیل مجلس موسسان توسط زمامداران جمهوری اسلامی و جایگزینی "مجلس خبرگان" بجای آن، یکی از بزرگترین ضربات هولناک بر پیکر جامعه در حال رویش ما بوده است. ضربه ای که اثرات مخرب آن هنوز هم ادامه دارد. این دیگر روشن شده است که مبارزه در راستای تشکیل مجلس موسسان برای تعیین حکومت آتی کشور، از بنیان های اصلی پیکار در راه دموکراتیزه کردن و نوسازی جامعه ایران است. و هم از این روست که تلاش برای تشکیل مجلس موسسان در کشور ما، با شرکت آزادانه و برابر حقوق همه احاد ملت ایران، و همه احزاب و سازمان های سیاسی، نه تنها یکی از نشانه های میزان پابندی نیروهای طرفدار دموکراسی نسبت به امر خطیر دموکراتیزه کردن و نوسازی جامعه است بلکه بیان کننده موضع آنها نسبت به حکومت کنونی و ضد مجلس موسسان نیز می باشد. نمی شود مدافع پی گیر دموکراسی، پلورالیسم، تعدد، "تشکیل آزادانه دولت منتخب مردم"، "انتقال حاکمیت به مردم" و "استقرار جمهوری ..."، بود و نسبت به برگزاری مجلس موسسان سکوت کرد و یا آن را تخطئه کرد. سازمان جمهوری خواهان چنانکه تلاش در راستای انتقال حاکمیت به مردم و تشکیل مجلس موسسان را الگوی کلاسیک، ناشی از بیست و هشت سال ماجراجویانه و مغایر استراتژی خود می داند، بهتر است آن را اعلام کند.

"سازمان جمهوری خواهان ملی ایران" بعد از انتشار "برنامه سیاسی و مشی عمومی ما" که در آن از "خلع ید از زمامداران" و "تشکیل دولت موقت و مجلس موسسان" سخن رفته است در بیانیه دیگری که در تاریخ ۴ اسفند ۱۳۶۸ منتشر کرد دوباره از "انتقال حاکمیت به مردم" سخن گفته اند: "... امروز پس از گذشت یازده سال ... زمامداران حکومت ... در برابر سومین انتخاب خود قرار گرفته اند. یا با کشودن فضای باز سیاسی و آزاد کردن احزاب و مطبوعات، شرایط انتقال مسالمت آمیز حاکمیت به مردم را فراهم می آورند و یا با ادامه خودکامگی کار را بجایی می رسانند که ملت با قهر و زور حاکمیت خود را بدست می آورند. یا زمامداران در برابر ملت تمکین می کنند و برای حفظ مصالح ملی راه کم درد تر را برای انتقال حاکمیت به مردم بر می گزینند یا در برابر خواسته های حق طلبانه ملت مقاومت می کنند و

آقای بیژن حکمت، عضو شورای مرکزی سازمان جمهوری خواهان ملی ایران، در تیرماه ۱۳۷۰، در مقاله ای تحت عنوان "انتخابات آزاد یا انقلاب سیاسی" (ماهنامه جمهوری خواهان ملی ایران، شماره ۴۱، تیرماه ۱۳۷۰)، حین بررسی انتقادی مقاله آقای فاتحان، سعی کرده است سیاست یا استراتژی انتخابات آزاد را از دیدگاه "جمهوری خواهان ملی ایران" روشنتر سازد. متأسفانه، آقای حکمت، نه تنها نتوانسته استراتژی و سیاست عمومی سازمان جمهوری خواهان ملی ایران را روشنتر سازد، بلکه بر ناروشنی های آن افزوده است. مطالعه این مقاله مرا واداشت تا مجدداً مروری بر اسناد رسمی این سازمان بکنم. کنکاش در این اسناد و نیز مطالعه مقالات برخی از مسئولین این سازمان، نشان می دهد که این سازمان در حال حاضر دارای مشی سیاسی روشنی نیست.

آقای حکمت از یکسو مشی مبتنی بر "رفتن یکی و آمدن دیگری" از طریق انتخابات آزاد را با بیان گوناگون و به نحوی از انحاء مطرح می سازد و می پذیرد و از سوی دیگر به مدافعین آن مشی ناسزا می گوید، آنها را به ماجراجویی سیاسی متهم میکند و می گوید: "هدف انتخابات آزاد نه برانداختن حکومت بلکه مصالحه با آن است."

وی در مقاله خود، بدرستی متذکر می شود که برای رفتن جمهوری اسلامی و آمدن دیگری باید بدیل یا آلترناتیو واقعی در برابر آن وجود داشته باشد و می نویسد: "در برابر حکومت جمهوری اسلامی امروز کدامین بدیل یا آلترناتیو واقعی قرار دار تا ما شعار رفتن یکی و آمدن دیگری را بدهیم. شعار سرنگونی بدون توجه به نیرویی که جایگزین حکومت کنونی می گردد فقط یک ماجراجویی سیاسی است."

بدین ترتیب روشن می شود که بنظر آقای حکمت در صورت وجود آلترناتیو واقعی در برابر حکومت اسلامی، و روشن شدن نیروی جایگزین حکومت کنونی، می توان شعار "رفتن یکی و آمدن دیگری" را مطرح کرد.

ایشان دیدگاه و مشی "رفتن یکی و آمدن دیگری" را در جای دیگر مقاله نیز به شکل دیگری نوشته است: "هدف جمهوری خواهان ملی ایران، به عنوان مثال استقرار جمهوری ایران است که بر حقوق برابر مردم و جدایی نظام سیاسی از دین و ایدئولوژی مبتنی است. ... در مورد زمامداران کنونی نیز شعار انتخابات آزاد درست به معنای آن است که مردم، آزادانه دولت منتخب خود را برگزینند. اگر در برابر نامزدهای طرفدار جمهوری اسلامی نامزدهای اپوزیسیون وجود نداشته باشند این انتخابات از معنی تهی می گردد. ما معتقدیم که گشایش فضای سیاسی جامعه و تحقق پیش شرطهای انتخابات آزاد امکان پیدایش یک آلترناتیو واقعی را در برابر زمامداران کنونی بوجود می آورد." (تاکید از نگارنده است.) لازم به یادآوری است که "سازمان جمهوری خواهان ملی ایران" در "برنامه سیاسی و مشی عمومی ما" نیز صراحتاً "خلع ید از زمامداران حکومت" را مطرح کرده اند.

ولی آقای بیژن حکمت، هلیرقم داشتن چنین دیدگاه و مشی سیاسی و هلیرقم اینک شعار "انتخابات آزاد" را نه یک تاکتیک کوتاه مدت بلکه شعار استراتژیک می داند، یکبار به این نتیجه می رسد که: "هدف انتخابات آزاد نه برانداختن حکومت بلکه واداشتن آن به مصالحه است. جملات و واژه های نظیر: "استقرار جمهوری ایران ..."، "انتقال حاکمیت به مردم"، "آلترناتیو واقعی در برابر زمامداران" و "انتخابات آزاد در دست به معنای گزینش آزادانه دولت توسط مردم"، در اسناد رسمی و مقالات جمهوری خواهان ملی ایران، بسیار است. طرح این جملات و واژه ها در اسناد سیاسی یک جریان سیاسی؛ در شرایطی که جمهوری مبتنی بر دین و استبداد بر جامعه ما حاکم است و هرگونه اقدام در جهت خدش دار کردن استبداد، جرم محسوب شده و توسط رژیم سرکوب می شود، واژه ها و جملات گویایی برای فهم و درک این موضوع است که این جریان خواهان "رفتن یکی و آمدن دیگری" است. ولی بنظر می رسد سازمان جمهوری خواهان هنوز به یک دیدگاه و مشی سیاسی روشنی دست نیافته و در حال گذار از یک مشی به مشی سیاسی دیگری است. بیژن حکمت ضمن ابراز چنین دیدگاه و مشی سیاسی در مقاله خود، تلاش در راستای "رفتن یکی و آمدن دیگری" و تلاش برای تشکیل دولت موقت و برگزاری مجلس موسسان را، الگوی کلاسیک و ماجراجویانه قلمداد کرده است. وی می نویسد: "لطبعاً اگر ما انتخابات آزاد را شیوه تعیین حکومت در جامعه دموکراتیک بدانیم و نه شکل گذار به مردم سالاری، هیچگونه تقابلی بین این دو شعار وجود ندارد. نخست باید حکومت را با انقلاب سیاسی سرنگون ساخت و با نیروهای براندازنده (بدون انتخابات) یک

حکومت زیر فشار مردم به سازش برانگیخته نشوند و مصالحه نکنند، احزاب و سازمان های آزادیخواه و مردم ایران چه باید بکنند؟ آیا باید آنقدر به مبارزات و فشارهای خود ادامه دهند تا آنها را زیر فشار به سازش برانگیزانند و انتخابات آزاد واقعیت بیابد؟! بیچاره مردم ایران، چه رفتاری های هجیبی دارند و با چه مقدرات مذهبی گونه مواجه هستند. و بالاخره، این چگونه استراتژی است که بابرانگیخته شدن این گرایشات به سازش با خواست های آزادیخواهانه، نمی تواند واقعیت یابد.

مسئولین سازمان جمهوری خواهان ملی ایران، بر خلاف بخشی از اپوزیسیون رژیم که هیچ توجهی به تحولات فکری و فرهنگی جاری در جامعه ایران و ایرانیان و در میان طرفداران جمهوری اسلامی ندارند، بدرستی متوجه این تحولات شده اند. ولی همین دوستان، در ارزیابی خود از سطح رشد تحولات و در ارزش گذاری به این گرایشات درون رژیم، دچار آنچنان خوشبینی مغرط شده اند که این گرایشات را مبنای تحقق شعار استراتژیک خود قرار داده اند. اینکه یک حزب سیاسی جدی، در تدوین مشی سیاسی خود، باید به گرایشات مثبتی که در میان نیروهای جمهوری اسلامی در سمت "آزادی"، "ولایت مردم" و "مدیریت هلمی" و ... پیدا شده است توجه لازم را بکند و سیاستی را تنظیم کند که این گرایشات صیقل یابد و در جهت تقویت جنبش آزادیخواهانه و دموکراتیک رشد و گسترش یابد، درست است. و این کار هر حزب سیاسی جدی است. ولی تنظیم سیاست عمومی و استراتژی با اتکا بر این گرایشات پراکنده و ضعیف یک خطای سیاسی جدی است.

درباره "بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین" رژیم نیز، سازمان جمهوری خواهان ملی ایران و آقای بیژن حکمت روشن نکرده اند که کدام نیروی سیاسی معین حامل این گرایشات است و مقام و موقعیت آن در جمهوری اسلامی چیست؟ بدون روشن کردن این نیرو و بدون نشان دادن مقام و موقعیت آن در درون رژیم، گفتن اینکه: "شعار انتخابات آزاد زمانی واقعیت خواهد یافت که مبارزات مسالمت آمیز مردم، رژیم را زیر فشار قرار دهند و بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین آن را به سازش با مطالبات آزادیخواهانه برانگیزد ..."، بیشتر به تبلیغات شباهت دارد تا یک حرف جدی سیاسی. علاوه بر آن، در تدوین استراتژی سیاسی ناظر بر تامین آزادی و حاکمیت مردم نمی توان صرفاً بر اعتدال و واقع بینی یک نیروی سیاسی، بویژه و سیاسی خود می رود، تکیه کرد.

و اما اگر سخن از آغاز تحولات فکری و فرهنگی در میان نیروهای وابسته به رژیم و سخن از آغاز پیدایش گرایشات مثبتی که در میان این نیروها نیز در سمت "خردگرایی"، "واقع بینی"، "آزادی"، "دموکراسی"، "مدیریت هلمی و نه فقعی" و پذیرش عناصر مثبت اندیشه و فرهنگ و فلسفه و تمدن غرب است، و اگر واقعیت دارد که این گرایشات مثبت هر چند پراکنده، ضعیف صیقل نیافته و شکل نیافته وجود دارد، دیگر نمی توان از اهمال فشار جهت برانگیختن آنها به سازش با خواست های آزادیخواهانه استفاده کرد. یک جریان سیاسی یا کسانی، اگر زیر فشار به سازش به خواست های آزادیخواهانه برانگیخته شوند، با بر طرف شدن فشار، مجدداً به روش های داغ و درفش در مواجهه با مخالفین فکری و سیاسی بر خواهند خواست. اگر گرایشات مثبتی در سمت مذکور وجود دارد، باید به سمت گیری هر چه روشن تر و پایدار تر و فاصله گیری هر چه بیشتر از استبداد و روش های درفش و داغ دعوت و تشویق شود.

بقیه از صفحه ۶

کدام نظام اجتماعی و چه مشی سیاسی؟

زمینه نوسازی یا ایجاد تغییر در ساختار و رشکسته اقتصادی کشور نمی باشد، با در پیش گرفتن سیاستهای ماجراجویانه در زمینه خرید تجهیزات اتمی، گسترش نامتناسب ارتش و نیروهای امنیتی. انتظامی، خریدهای تسلیحاتی عظیم، دخالت های غیر مسئولانه در امور منطقه و کشورهای همسایه و ... اقتصاد و رشکسته ایران را دچار فلاکت بیشتری نموده و با تکیه بر سرمایه مالی و تحرکات سود جویانه و غیر مسئولانه آن، احتکار، رباخواری و ... افسار گسترده ای را دچار فقر، بیچارگی و تیره روزی نموده است.

آقای نگهدار باید بگویند که بر اساس کدام شواهد عینی امید به استحاله رژیم بسته اند، و غیر از این است که این استحاله بیش از آنکه در رژیم جمهوری اسلامی باشد در خود ایشان بوده است و آیا غیر از آن است که تغییراتی را که ایشان به آن دلخوش کرده اند، حداکثر رژیم جمهوری اسلامی را به طرف آن شبه دموکراسی می برد که رژیم سلطنتی و شاه مدعی آن بودند.

باعت خواهند شد تا تحقق این خواست ها با خواهر و برادر کشی با جنگ خونریزی و با اتلاف سرمایه های مادی و معنوی مملکت همراه گردد ... (تاکیدات از نگارنده است).

در این نوشته، شورای مرکزی این سازمان، هنوز از انتقال حاکمیت سخن می گویند و بر "انتقال حاکمیت به مردم" تاکید دارند ولی برایشان روشن نیست که "زمامداران حکومت" شرایط "انتقال حاکمیت به مردم" را فراهم خواهند کرد یا با ادامه خودکامگی کار را به قهر و خونریزی و جنگ خواهند کشید. شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران، در این بیانیه، ضمن اظهار تردیدهای فراوان نسبت به چگونگی برخورد زمامداران حکومت در برابر خواست های حق طلبانه ملت ایران می نویسد: "... امروز جو جهانی و تحولات اوضاع کشور، شرایطی پدید آورده است که مبارزات همسوی مردم می توانند زمامداران را به مصالحه با خواست های حق طلبانه ملت وادار کند و راه را برای میثاق جدید میان مردم بگشاید."

اما این تردیدها، به مرور زمان، به سود امیدواری به "بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین" رژیم، فرو می ریزد و شورای مرکزی این سازمان، در مطلبی تحت عنوان "انتخابات آزاد و سیاست عمومی جمهوری خواهان ملی ایران" (مصوب شورای مرکزی پانزدهم دسامبر ۱۹۹۰) می نویسد: "شعار انتخابات آزاد زمانی واقعیت خواهد یافت که مبارزات مسالمت آمیز مردم، رژیم را زیر فشار قرار دهد و بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین آن را به سازش با مطالبات آزادیخواهانه برانگیزد ...". و اما آقای بیژن حکمت، از این نیز فراتر رفته و در مقام دفاع از مشی ارائه شده اعلام می کند: "هدف انتخابات آزاد نه برانداختن حکومت بلکه واداشتن آن به نظر می رسد وجود ابهامات، تناقضات و آشفتگی های فراوان در دیدگاه و مشی سیاسی سازمان جمهوری خواهان نیز، مثل برخی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون رژیم، ناشی از پایان نیافتن پیرویه گذار، محروم شدن خود را بر مشی سیاسی این سازمان نیز زده است. ابهامات و تردیدها نسبت به مشی سیاسی و مواضع این سازمان در برابر حکومت کنونی، ساخته و پرداخته این یا آن حزب و سازمان نبوده بلکه ناشی از وجود ابهامات و تردیدهای خود سازمان جمهوری خواهان ملی ایران نسبت به حکومت است.

شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران و نیز آقای بیژن حکمت، با ارائه دیدگاه و مشی متناقض و ناروشن، در برابر این سوالات و معضلات قرار دارند که اگر "بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین"، مورد نظرشان به سازش با مطالبات آزادیخواهانه برانگیخته نشوند و اگر حکومت تن به مصالحه ندهد، چه خواهند کرد؟! آیا شعار استراتژیک خود را (انتخابات آزاد) کنار خواهند گذاشت؟ یا دلایل دیگری جهت حفظ آن ارائه خواهند داد؟! اگر آن بخش مورد نظر، یا

در انتخاب استحاله تردید نخواهیم کرد. زیرا اعتماد به اینکه سرنگونی متضمن دموکراسی باشد بسیار کمتر از موفقیت تدریجی در یک رشته اصلاحات سیاسی با مشارکت عموم جناح های سیاسی کشور است."

اما واقعیت ها چه هستند. رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است ضد دموکراسی و واپسگرا که به جای چاره جویی مشکلات توده ها و حتی انجام یکی از حداقل های دموکراتیک با عنوان نمودن اسلام در مقابل دموکراسی و با تکیه بر قوانین و اصول ارتجاعی، با نمود هر گونه دموکراسی، دگر اندیشی، عدالت پژوهی عناد ورزیده و با استفاده از اهرمهای قهر، ترور مخالفان، سرکوب اعتراضات مردمی و جنبش های حق طلبانه آنها خود را تثبیت نموده است. رژیم جمهوری اسلامی جهت قبله بر مشکلات اقتصادی اجتماعی و تثبیت هر چه بیشتر حاکمیت ضد مردمی خود به سرعت به دامان امپریالیسم می فلتد و با بستن قرارداد های عظیم اقتصادی با کشورهای اروپایی که هیچ یک از آنها هملا گامی در

خبرها و نظرها

در شماره گذشته موضع گیری تعدادی از نیروهای سیاسی چپ در رابطه با تحولات شوروی درج شد. در این شماره نیز به درج تعدادی دیگر از این مواضع می پردازیم تا خوانندگان تصویر نسبتاً جامع تری نسبت به نظرات طیف نیروهای چپ کشورمان در رابطه با تحولات فوق به دست آورند. مطالب انتخاب شده قابلیت نقل از فروپاشی و تجزیه شوروی نگاشته شده و نظر به سرعت تحولات در آن کشور، طبیعتاً برخی از مسائلی مطرح شده در آنها موضوعیت خود را از دست داده و یا نکات متفاوتی را منعکس می کند.

راه کارگر : اکتبر پرچم ماست

پیوندی با انقلاب اکتبر نداشت؟ طیف مخالفان اکتبر هموما حزب - دولت استالینی را محصول بی واسطه و طبیعی انقلاب اکتبر و استالینیزم را ادامه منطقی و اجتناب ناپذیر لنینیسم می دانند. و البته حزب - دولت استالینی نیز خود را فرزند طبیعی و مشروع انقلاب اکتبر معرفی می کرد. ولی بررسی بی طرفانه تاریخ انقلاب اکتبر بنحو قانع کننده ای نشان می دهد که حزب - دولت استالینی نه نتیجه و اطمین یافتن اهداف اکتبر که محصول مسخ شدگی و شکست آن بود. اما اگر منکر این حقیقت نباشیم که اکتبر از درون خود شکست خورده است و نه با بازگشت نظام پیش از انقلاب ناگزیر باید توضیح بدهیم که در درون خود اکتبر چه عوامل و عناصری به این شکست و مسخ شدگی یاری رساندند...

به نظر من این ضعف اکتبر را می توان از همان آغاز در نگرش سیاسی و اقتصادی رهبری انقلاب مشاهده کرد. در حوزه سیاسی رهبران اکتبر به حق بر ضرورت حیاتی دموکراسی، شرکت فعال و مستقیم مردم در سیاست و اداره دولت و امور عمومی جامعه و مخصوصاً بر اهمیت در هم شکستن ماشین دولت بورژوازی به عنوان شرط اساسی شکل گیری دولت جدید کارگری تاکید می ورزند، اما نه تنها متناسب با آن بر ضرورت آزادی های سیاسی به عنوان شرط حیاتی برای توأم و دوام دموکراسی و شرکت فعال و موثر کارگران و زحمتکشان در سیاست تاکید نمی کنند بلکه گاهی کاملاً آن را نادیده می گیرند...

...کلیدی ترین و به لحاظ سیاسی دافترین سئوالی که اکنون در رابطه با اکتبر بر ذهن ما فشار می آورد، این است که آیا اکتبر با ضدیدت با سرمایه داری در شوروی عقب مانده و دهقانی این کشور را به بیراهه نکشاند؟ و آیا کارگران و زحمتکشان چنین کشورهایی طبق منطق "آسیا" به نوبت "باید صبر پیشه کنند تا تکامل سرمایه داری خود شرایطی عینی لازم برای رهائی آنها را فراهم آورد؟ تفسیر تاریخ گرایانه خاصی از مارکسیسم وجود دارد که به بجانه "تحلیل علمی" آن را به یک نظریه کاملاً محافظه کارانه تبدیل می کند. مخصوصاً در شرایط امروز جهان ما که بخش اعظم جمعیت انسانی در کشورهای پیرامونی سرمایه داری به غیر انسانی ترین و فیرقابل ترین اشکال لگدکوب بهره کشی سرمایه هستند، از اهمیت و حساسیتی به مراتب بیشتر از زمان مارکس یا حتی انقلاب اکتبر برخوردار است. کسی که امروز به مردم کشورهای پیرامونی سرمایه داری، یعنی چهار پنجم جمعیت سیاره ما که در دوزخ تحمل ناپذیر دست و پا می زنند، توصیه می کند که راه اکتبر را نروند، نه تنها نمی تواند طرفدار تمدن، دموکراسی و پیشرفت باشد، بلکه نقاد دارد بربریت را ستایش می کند و بربریت را تدارک می بیند.

در نشریه آبان ماه راه کارگر مقاله ای با قلم ی- مهران درج گردیده است در این مقاله آمده است: "این روزها این اولین سئوالی است که برای هرکس مطرح می شود. وقتی لیبرال های شوروی و مطبوعات غربی با مودی گری حساب شده ای شکست کودتای سه روزه اوت گذشته را عنوان "انقلاب اوت" می بخشند، وقتی فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزبی که انقلاب اکتبر را رهبری کرده بود، ممنوع اعلام میشود، و وقتی شورای شهر لنینگراد، شهری که اکتبر از آنجا آغاز شد، تصمیم میگیرد نام این شهر را به سن پترزبورگ برگرداند و روز این نامگذاری مجدد را هر ساله بجای سالروز انقلاب اکتبر جشن بگیرد، ظاهراً دیگر کسی تردید ندارد که انقلاب اکتبر را نیز می باید جزو انقلابهای ناموفق و شکست خورده به حساب آورد. من هم فکر می کنم که به یک لحاظ و البته به یک لحاظ - اکتبر را باید انقلابی شکست خورده تلقی کرد. اگر بپذیریم که دولت بیرون آمده از بطن یک انقلاب، بی واسطه ترین مرصه برای ارزیابی نتایج آن انقلاب است. باید انقلاب اکتبر را انقلاب شکست خورده بدانیم. هدف اعلام شده انقلاب اکتبر برقراری دولت شورایی، یعنی حاکمیت بی واسطه اکثریت زحمتکش بود. دولتی که در آن، بقول لنین، همه تئیدستان می بایست سازمان می یافتند و مسلح می شدند و نهادهای قدرت دولتی را مستقیماً در دست می گرفتند و خودشان این نهادهای قدرت دولتی را تشکیل می دادند. دولتی که می بایست "نه فقط سازمان توده ای بلکه سازمان عمومی همه خلق مسلح" باشد. شکی نیست که حزب - دولت استالینی که در پنج دهه گذشته بر اتحاد شوروی حاکم بود نه فقط به دموکراسی مستقیم اکثریت زحمتکش شایستگی نداشت بلکه نقیض کامل آن بود. برقراری آن بجای دولت شورایی کارگران و دهقانان جز شکست انقلاب اکتبر معنای دیگری نمی توانست داشته باشد. به این اعتبار، انقلاب اکتبر نه در هفتاد و چند سالگی، با انحلال حزب کمونیست اتحاد شوروی و یا به زیر کشیده شدن مجسمه های لنین، بلکه در ده - دوازده سالگی، با انقلاب از بالای استالین شکست خورده است.

اما با تامل در همین ویژگی شکست اکتبر در می یابیم که این انقلاب را از جهات دیگر باید یک انقلاب پیروز تلقی کرد. اگر میزان موفقیت یک انقلاب را با ادامه تاثیرات و تغییراتی که در جهت اهدافش بوجود می آورد، ارزیابی کنیم، انقلاب اکتبر به راستی انقلاب بسیار موفقی است. تاثیرات و تغییراتی که اکتبر در جهان ما بوجود آورده با هیچ انقلابی قابل مقایسه نیست.

دو مین سئوالی که غالباً ذهن ما را اشغال می کند و بی ارتباط با سئوال اول نیست، این است که آیا حزب - دولتی که در اتحاد شوروی به قدرت رسید، هیچ

نامه مردم : مقصر کیست؟

نشریه نامه مردم "ارگان مرکزی حزب توده ایران" در مقالات متعددی تحولات مزبور را مورد بحث قرار داده و منجمله در نشریه شماره ۳۶۴ در تاریخ ۱۹ آذر ماه می نویسد:

طبق آمار آکادمی علوم شوروی در ۹ ماهه اول سال ۱۹۹۱، تولید صنعتی در اتحاد شوروی در مقایسه با سال ماقبل ۱۲ درصد تولید در آمد ملی ۱۳ درصد و بازدهی کار ۱۲ درصد کاهش نشان می دهد. آمار مربوط به جمعوری فدرال روسیه فاجعه آمیزتر است. در سال ۱۹۹۰ تولید صنعتی بزرگترین و ثروتمندترین جمهوری شوروی که آقای یلتسین آن را رهبری می کند، ۲۰ درصد کاهش یافته است. برای درک پی آمدهای مخرب چنین کاهش، کافی است بگوئیم تجربه جهانی بیانگر آن است که کاهش تولید به میزان ۲۵ درصد به فلج کامل اقتصاد منجر می گردد.

"ما گفتیم مدل استالینیستی ساختار سوسیالیسم در شوروی، و نیز اشتباهات در مواردی عظیم رهبران آن کشور در دهه های اخیر و از همه مهمتر خودداری از اصلاحات بنیادین اقتصادی - اجتماعی اتحاد شوروی را با مشکلات بزرگی روبرو ساخته بود. اما، این یگانه عامل وضع رقت بار کنونی در آن کشور نیست. هشتم ماه ژوئن ۱۹۸۲، ریگان طی یک سخنرانی در پارلمان انگلستان گفت: بیایید به خود تردید راه ندهیم و از قدرت خود برای تبدیل مارکسیسم - لنینیسم به خاکستر باقی مانده از حریق تاریخ استفاده کنیم.

"در حال حاضر شوروی بنام اتحاد جماهیر شوروی وجود خارجی ندارد. اتحاد شوروی، در نتیجه "گوشش" پنجساله عده ای از رهبران سابق حزب کمونیست که طی سالیان دراز در خدمت رهبران دوران رکود بودند، در پنجسال اخیر بر اساس یک برنامه حساب شده از هم پاشیده شده و این روند به سرعت ادامه دارد."

"اقتصاد کشور از هم گسسته و به سرعت به سوی فلج کامل پیش می رود. در اینکه اقتصاد شوروی در دهه تا سال ۱۹۸۵، یعنی آغاز دگرگون سازی در حال رکود بود، تردیدی نیست، البته رکود به معنای توقف رشد اقتصادی نبود. تمرکز بی حد اقتصاد، ادامه بهره برداری از مکانیسم "فرماندهی - اداری"، سطح نازل بازدهی اجتماعی کار و عقب ماندگی چشمگیر در هرصه پیشرفت علمی و فنی از ویژگی های اقتصاد سوسیالیستی بود و به همین علت نیز مسئله حیاتی اصلاحات اجتماعی - اقتصادی پیش کشیده شد. اتحاد شوروی به اصلاحات بنیادین برای استفاده از پتانسیل بالقوه سوسیالیسم نیاز مبرم داشت و رهبران حزب و دولت نیز به همین سبب ضرورت دگرگون سازی را مطرح ساختند.

اما، خلعت "تحمیلی" دگرگون سازی در شرایط هدم برنامه مدون فرآیند دگرگونی چگونگی اصلاحات و نیز نبود کارهای لازم و از همه مهمتر سوء مدیریت آشکار رهبران رفمیست حزب و دولت، مشکلات عظیم اقتصادی - اجتماعی را دامن زد. بحران ساختاری اجتناب ناپذیر همراه با سهم هر چه بیشتر تولید در صنایع سنگین و نظامی، مانع تغییر ساختار سازمان یافته اقتصاد گردید و اشتباهات بزرگ رهبری که منجر به از هم گسستن پیوندهای اقتصادی شد، وضع جامعه را انفجار آمیز ساخت.

در سال ۱۹۹۰ هلاطم فلج اقتصادی هر چه بیشتر و شد. برای اولین بار پس از جنگ کاهش اکثر شاخص های ماکرو و اکتونومیک اعلام گردید. اگر در فاصله سال های ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ میانگین رشد سالانه ۳/۶ درصد بود، این شاخص در سال ۱۹۹۰ به ۲ درصد کاهش یافت. تولید در آمد ملی ۴ درصد و بازدهی اجتماعی کار ۳ درصد تنزل کرد. در پایان سال ۱۹۹۰ وام دولتی به بیش از ۵۵۰ میلیارد روبل رسید، یعنی ۱۵۲ میلیارد روبل افزایش یافت.

بحران ژرف ساختاری خواه ناخواه کاهش سریع تولید در صنایع سنگین را موجب شد، در حالی که در تولید صنایع سبک حرکت محسوسی به چشم نمی خورد. در نتیجه سطح عمومی مصرف انانی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۰ بیش از پیش سقوط کرد و این روند در سال جاری نیز همچنان ادامه دارد.

علی کشتگر :

تحولات شوروی تا کجا پیش خواهد رفت؟

معجزاتی بیش از آن که جهان در چند ساله گذشته از او دید صورت دهد، او در محاصره حزب کمونیست، در محاصره سانتریسیت ها و در محاصره کسانی بود که با وجود قبول بن بعثت حزب و نظام اکثرابا چیزی بیش از اصلاح نظام رضایت نداشتند.

میخائیل گورباچف، با همه اشتباهات و سازشهایی که در بر خورد با پروسه تحولات عرساله از خود نشان داد، بی تردید به عنوان بزرگترین رهبر تاریخ شوروی و یکی از بزرگترین رهبران سیاسی تاریخ و یک دوستار بزرگ صلح و آزادی برای همیشه در تاریخ خواهد ماند.

اگر لنین دموکراسی نوپا و شکننده روسیه را که بر ویرانه های سلطنت تزار در حال پدید آمدن بود، با کودتای حزب بلشویک در نطفه خفه کرد، گورباچف رهبر تحولاتی است که دموکراسی را در اروپای شرقی و اتحاد شوروی به جای نظام توتالیتر نشانده... بر عهده جامعه بین المللی و همه نیروهای صلح دوست و آزادیخواه است که در چنین شرایط دشواری به یاری گورباچف بشتابند. متأسفانه مردم روسیه و سایر کشورهای اتحاد شوروی به همت دهها سال دیکتاتوری فرسنگها عقب تر از آنجایی هستند که گورباچف ایستاده است. مردم روسیه یلتسین ناسیونالیست، خشن و تا حدی ناآگاه به شرایط و اوضاع جهانی را بر گورباچف ترجیح می دهند، چرا که یلتسین به سطح فکر و تمایلات صیقل نیافته توده ها نزدیک است. در حالیکه گورباچف هنوز می خواهد مردم روسیه و سایر کشورهای اتحاد شوروی را به تزلزل رفیع تری هدایت کند.

در نشریه شهریور ماه فدائی مقاله ای با قلم آقای علی کشتگر در رابطه با شکست کودتای اوت در شوروی درج گردیده است. در این مقاله آمده است: "از کودتای تافر جام حزب کمونیست شوروی علیه گورباچف و علیه آزادی تا امروز که این سطور را می نویسم در ست یک هفته میگذرد. هر ساعت این ۷ روز، تاریخ به اندازه چندین سال معمولی حرکت کرده است.

هزار نکته باریکتر از مو و هزار هزار تجربه و درس به گنجینه تاریخ، این گنجینه پر ارزش بشری افزوده شده است.

اگر گورباچف ۲ سال پیش با قاطعیت بیشتری محافظه کاران و نئو استالینیست ها را کنار گذاشته بود، بدینوسیله توانسته بود، اصلاحات اقتصادی - سیاسی دلخواه خود را در اتحاد شوروی به پیش برد، شاید امروز می شد از بسیاری از عواقب احتمالی این عقب ماندگی که تلاشی شوروی، آغاز جنگهای مرزی میان کشورهای تشکیل دهنده شوروی و هرچ و هرچ های اقتصادی از جمله آنهاست جلوگیری کرد. اما آیا واقعا گورباچف می توانست سر یعتر از این و قاطع تر از این حرکت کند و نکرد؟ این سئوالی است که تاریخ در آینده به آن پاسخ خواهد داد. لیکن به گمان من گورباچف که خود از درون حزب کمونیست و نظام توتالیتر برخاسته بود و به ناچار با شعار اصلاح حزب و نظام و نه انحلال آنها پایه میدان گذاشته بود، گورباچف که ابزار و وسایل کار خود را از همان حزب و دولت گرفته بود مرکز نمی توانست

شاید امروز کمتر کسی این گفته آقای ریگان را به خاطر داشته باشد. نه تنها و اشتکنش، بلکه همه جهان فرب برای تحقق بخشیدن به این فراخوان ریگان دست به دست هم دادند. بدیهی است هیچ نیروی خارجی نمی توانست آنچه را امروز در فرب روی دادهای شیر منتظره فروپاشی کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و اتحاد شوروی میمانند، بوجود آورد. در این مورد باید بویژه نقش میخائیل گورباچف و همکاران نزدیک او - شوارنادزه، یاکوف، یلتسین و مدعا کمونیست سابق عالی مقام - را مورد نظر قرار داد.

نه تنها در خود اتحاد شوروی سابق، بلکه در خارج هم خیلی های می خواهند نقش رهبران در جه اول حزب کمونیست را که امروز هم بر سر کارند، به دست فراموشی سپارند. مگر آقایان گورباچف و شوارنادزه و یاکوف و یلتسین در دوران رکود هالیترین مقامات حزبی را اشغال نکرده بودند؟ هم در مرکز و هم در جمهوری های اتحاد شوروی سابق کمونیست های سابق حکمروانی می کنند. گر چه این آقایان از بکار گرفتن کلمه "سرمایه داری" خودداری می ورزند، ولی همه آنها می خواهند نظام اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری را جایگزین سوسیالیسم کنند. اگر آنها، این هدف خود را آشکار و بی پرده با مردم در میان می گذاشتند، جای بحثی نبود. اما، گورباچف به عنوان مبتکر اصلی دگرگون سازی میلیون ها انسان را فریب داد."

کناره گیری بن جدید

بقیه از صفحه آخر

پس از جنگ و در حال محاصره اقتصادی به آن کشور سفر کردند که خانم لیو و هاس بلژیکی نیز در زمره این گروه تحقیق بود. او در مراجعت از سفر سه هفته ای خود به عراق، مشاهدات خود را در روزنامه همبستگی ارگان حزب کاربلژیک به چاپ رساند:

مردم منتظر مرگ هستند

ما می دانستیم در عراق بعد از جنگ و یکسال تحریم اقتصادی شرایط مناسبی وجود ندارد. اما با اینهمه، بهیچوجه انتظار چنین وضعیت و حشمتاکی را نداشتیم. این شرایط را در یک کلمه خلاصه می کنم: "مردم منتظر مرگ هستند". آنها نمی توانند کاری دیگر انجام دهند. مردم هادی تمام آذوقه هایشان را خورده اند. در حال حاضر وسایل خانه و وسایل شخصی خود را می فروشند تا از این طریق بتوانند مقداری مواد غذایی تهیه کنند. تحریم اقتصادی می بایست هرچه زودتر برداشته شود.

۵۰ هزار بچه قتل...

تاکنون پنجاه هزار بچه زیر پنج سال بعد از جنگ مردند و این رقم روز به روز به صورت وحشتناکی افزایش می یابد. کودکانی که هنوز زنده مانده اند می بایست کار کنند. مودی که سالهای طولانی در عراق از آن خیری نبود. برای اینکه هادی ماهانه خانواده بیشتر شود بچه ها می بایست کار کنند. ما آنها را می بینیم که چهار چرخ های سنگینی که با آن گوجه فرنگی له شده حمل می کنند را می کشند. گدایی افزایش زیادی یافته است در صورتی که در گذشته این مشکل از بین رفته بود. دیگر کودکان در آنجا بازی نمی کنند. آنها اغلب خواب هستند و یا از دامن مادرانشان آویزانند. چشمشان مضطرب می باشد. من آنجا لبخندی ندیدم. بهترین محل خانه برای نوزادان می باشد که در آنجا مادرانی که هنوز توه و توانی برای شیر دادن دارند به آنها شیر می دهند.

قیمت یک لیتر شیر قبل از جنگ دو دلار بود ولی اکنون به ۴۵ دلار رسیده است. بایک لیتر شیر، فقط چهار روز می توانند نوزاد را زنده نگه دارند.

نوآباد آشامیدنی

افرادی که شاقول هستند داری شانس زیادی می باشند. پدر یک خانواده برای من تعریف می کرد: "من حداقل یک هادی دارم. در حدود ۱۴۰ دینار هر ماه حقوق دریافت می کنم (در حدود پیش برد.

یک سال پس از جنگ خلیج فارس

بقیه از صفحه آخر

اثر جنون تب مردند!

مشکلات عصبی و روانی کودکان

در میان کودکان حمله قلبی و تنگی نفس (آسم) بطور وحشتناکی افزایش یافته است. بخشی از این بیماری ها بخاطر بمباران ها و بخشی دیگر بخاطر بحران های عصبی است. بچه ها با این وضعیت می بایست زندگی کنند. اوایل من این حملات (بیماری ها) را با داروئی می توانستم معالجه کنم. هنگامیکه این داروها تمام شد جبار از داروئی آدرنالین استفاده می کردم که اگر چه داروئی خطرناکی می باشد ولی بهتر از هیچ بود. وقتی که هیچ داروئی برایم باقی نمی ماند دیگر برای

۵۰ دلار). با این مقدار می بایست شکم ۱۳ نفر را سیر کنم که از این تعداد دو نفرشان نوزاد می باشند. باید خیلی شانس داشت تا کودکی در خانواده مریض نشود. هملا آب آشامیدنی موجود نیست. امکانات و مواد لازم شیمیایی که بشود با آن آب را تصفیه کرد وجود ندارد. مردم آب رودخانه دجله را بدون تصفیه مصرف می کنند؟ بیماری طاهون چگونه امکان دارد که بچه های در این شرایط در سلامتی کامل بسر برد؟ پشه ها هجوم آورده اند و بیماری مالاریا در بالای سرشان شیوع پیدا کرده است. از ماه مارس به اینطرف بیماری های وبا و تیفوس بی داد میکنند. یک پزشک عراقی از تجربه تاسف آورش



بیماری های قلبی و آسم آنها نمی توانستم کاری انجام دهم. در آخر این کودکان محکوم به مرگ می شدند و می مردند زیرا که قلب آنها در مقابل این حملات نمی توانست مقاومت کند. این ما را بسیار خشمگین و ناراحت می کرد و هر چه بود بپناه بودنتان

برایم مطالبی را تعریف کرد: "کودکان در دستهای من می میرند تنها بخاطر اینکه ما حتی یک قرص اسپرین برای آنها نداریم. تغذیه بد باعث می شود که آنها در مقابل کوچکترین عفونت، بدنشان بی دفاع شود. تعداد زیادی کودک را دیدم که بر

در پشت پرده ماجرای گروگانها

عالمین این جنایت می کردیم. باید کاری انجام داد!

"پسر من ۲۱ ماهه می باشد. هر سر و صدایی باعث ترس او می گردد. مادر نزدیکی پل فالو جا زندگی می کنیم که در دوران جنگ شدت بمباران شده است. او از ترس و وحشت بیدار می شود. من هیچ کاری نمی توانستم انجام دهم. اثرات منفی این شرایط تا مدت های طولانی روی این نسل باقی خواهد ماند. در تاریخ ۱۸ سپتامبر همسرم باید دومین بچه اش را بدنیا آورد. این زایمان بر روی صندلی صورت خواهد گرفت. من به طرز وحشتناکی می ترسم اما جرات نمی کنم به او بگویم. اگر فرزندانم تا دو هفته دیگر دنیا نیاید احتمالا او را سزارین خواهند کرد. من واقعا نمی دانم چطور آن را انجام خواهند داد. من تاکنون نتوانسته ام مقداری داروئی آزمایش بخش برای او تهیه کنم. من بسیار ناامید هستم."

این مرد دیگر نمیتواند حرفی بزند و به صورت آرام گریه می کند و چندین بار از ما هذرخواهی میکند! او از ما تقاضا می کند که کاری علیه تحریم اقتصادی انجام دهیم. مواد غذایی و دارو برای عراق فرستاده شود. تحریم همه چیز را اساس خراب کرده است.

آیا آنها زنده خواهند ماند؟

ما به کردستان نیز رفتیم. آنجا شرایط نه بهتر و نه بدتر بود. ما مدت زیادی را با یک دهقان کرد گفتگو کردیم. با فرور هفتمین فرزندش که چهار روزه بود را به ما نشان داد. فرزند او دختر است. خوشبختانه مادر و کودک از سلامتی خوبی برخوردارند. ما آنجا دیگر کسی را بدین شکل ندیدیم. پدر هنوز اسی برای کودکش انتخاب نکرده بود و از ما خواست اسمی را بر او انتخاب کنیم. من نمی توانستم چون عربی و کردی بلد نبودم. بالاخره او را "مال" صدا کردم. این یکی از چهار اسم عربی بود که می دانستم. پدر گفت اسم زیبایی است. سپس او گفت "که مردم عراق احتیاج به همبستگی اروپایی ها دارند و ضرورت دارد که آمریکا حکومت عراق را بردارد." تمام مردم می خواستند که تحریم اقتصادی از عراق برداشته شود زیرا که هر روز داشتند از بین می رفتند. در صورتی که تحریم اقتصادی از عراق برداشته شود بچه هایی چون آمل می توانند زنده باقی بمانند.

یلتسین: استعفانخواهم داد

بقیه از صفحه آخر

دولتی شوروی به بانک مرکزی روسیه، هنوز معلوم نیست سیاست های پولی دولت های دیگر را چه ارگانی تعیین خواهد کرد. دولت روسیه برای همه کالاها و خدمات، مالیات ارزش افزایی معادل ۲۸ درصد و برای درآمد موسسات اقتصادی، مالیات معادل ۳۲ درصد تعیین کرده است اما کسی نمی داند که دولت قادر به اخذ این مالیات خواهد بود یا نه.

قرار است در سال ۱۹۹۲ بیش از ۵۰ درصد موسسات کوچک اقتصادی در روسیه خصوصی شود. همچنین برنامه ای تصویب شده است که به موجب آن، مزارع دولتی تقسیم خواهد شد. قرار است در همین ماه برنامه ای برای محدود کردن اعتبارات تخصیص یافته به شرکت های دولتی اعلام شود. اجرای هم زمان همه این برنامه ها، به قول یک مشاور آمریکایی دولت روسیه، "مانند این است که وقتی هنوز دارید چتر نجات را می دوزید، از هواپیما بیرون بپرید، اما چاره ای ندارید. هواپیما در حال سقوط است."

برخی از مخالفان یلتسین او را متهم می کنند که با مردم مانند ابزار آزمایشگاهی رفتار می کند. آنها معتقدند که قبل از آزاد شدن آنها، سیاست های یلتسین او را متهم می کنند که با مردم مانند ابزار آزمایشگاهی رفتار می کند. آنها معتقدند که قبل از آزاد شدن آنها، سیاست های یلتسین او را متهم می کنند که با مردم مانند ابزار آزمایشگاهی رفتار می کند.

یلتسین: استعفانخواهم داد

بقیه از صفحه آخر

دولتی شوروی به بانک مرکزی روسیه، هنوز معلوم نیست سیاست های پولی دولت های دیگر را چه ارگانی تعیین خواهد کرد. دولت روسیه برای همه کالاها و خدمات، مالیات ارزش افزایی معادل ۲۸ درصد و برای درآمد موسسات اقتصادی، مالیات معادل ۳۲ درصد تعیین کرده است اما کسی نمی داند که دولت قادر به اخذ این مالیات خواهد بود یا نه.

قرار است در سال ۱۹۹۲ بیش از ۵۰ درصد موسسات کوچک اقتصادی در روسیه خصوصی شود. همچنین برنامه ای تصویب شده است که به موجب آن، مزارع دولتی تقسیم خواهد شد. قرار است در همین ماه برنامه ای برای محدود کردن اعتبارات تخصیص یافته به شرکت های دولتی اعلام شود. اجرای هم زمان همه این برنامه ها، به قول یک مشاور آمریکایی دولت روسیه، "مانند این است که وقتی هنوز دارید چتر نجات را می دوزید، از هواپیما بیرون بپرید، اما چاره ای ندارید. هواپیما در حال سقوط است."

یلتسین: استعفانخواهم داد

بقیه از صفحه آخر

دولتی شوروی به بانک مرکزی روسیه، هنوز معلوم نیست سیاست های پولی دولت های دیگر را چه ارگانی تعیین خواهد کرد. دولت روسیه برای همه کالاها و خدمات، مالیات ارزش افزایی معادل ۲۸ درصد و برای درآمد موسسات اقتصادی، مالیات معادل ۳۲ درصد تعیین کرده است اما کسی نمی داند که دولت قادر به اخذ این مالیات خواهد بود یا نه.

قرار است در سال ۱۹۹۲ بیش از ۵۰ درصد موسسات کوچک اقتصادی در روسیه خصوصی شود. همچنین برنامه ای تصویب شده است که به موجب آن، مزارع دولتی تقسیم خواهد شد. قرار است در همین ماه برنامه ای برای محدود کردن اعتبارات تخصیص یافته به شرکت های دولتی اعلام شود. اجرای هم زمان همه این برنامه ها، به قول یک مشاور آمریکایی دولت روسیه، "مانند این است که وقتی هنوز دارید چتر نجات را می دوزید، از هواپیما بیرون بپرید، اما چاره ای ندارید. هواپیما در حال سقوط است."

دولتی شوروی به بانک مرکزی روسیه، هنوز معلوم نیست سیاست های پولی دولت های دیگر را چه ارگانی تعیین خواهد کرد. دولت روسیه برای همه کالاها و خدمات، مالیات ارزش افزایی معادل ۲۸ درصد و برای درآمد موسسات اقتصادی، مالیات معادل ۳۲ درصد تعیین کرده است اما کسی نمی داند که دولت قادر به اخذ این مالیات خواهد بود یا نه.

قرار است در سال ۱۹۹۲ بیش از ۵۰ درصد موسسات کوچک اقتصادی در روسیه خصوصی شود. همچنین برنامه ای تصویب شده است که به موجب آن، مزارع دولتی تقسیم خواهد شد. قرار است در همین ماه برنامه ای برای محدود کردن اعتبارات تخصیص یافته به شرکت های دولتی اعلام شود. اجرای هم زمان همه این برنامه ها، به قول یک مشاور آمریکایی دولت روسیه، "مانند این است که وقتی هنوز دارید چتر نجات را می دوزید، از هواپیما بیرون بپرید، اما چاره ای ندارید. هواپیما در حال سقوط است."

بقیه از صفحه آخر

ویت امکانات لجستیکی مانند هواپیما می دادند تا او نقش یک عامل منحرف کننده ادهان از آنچه واقعا در جریان بود را ایفا کند: معامله با حکومت ایران بر سر آزادی گروگانها در ازای تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی. همزمان با سفرهای پیاپی ویت به بیروت، مذاکرات پنهان نمایندگان دولت ریگان و رژیم خمینی جریان داشت و هر از چندی، یک گروگان غربی در بیروت آزاد می شد. شاید خود ویت هم گمان می کرد که آزادی این گروگانها در نتیجه فعالیت های ویت و ماموریت او تنها پوششی بود بر ماجرای بند و بست پنهانی دولت ریگان و رفسنجانی بمشابه نماینده شخص خمینی به عنوان نمونه، در دوم نوامبر ۱۹۸۶، دو روز پس از تحویل ۵۰۰ موشک صد تانک تاو به ایران، دیوید جاکوبسن گروگان آمریکایی در بیروت آزاد شد.

تری ویت حتی با ربانندگان جاکوبسن ملاقات هم نکرده بود. ژنرال ریچارد سکورد از مقامات دولت ریگان تلفنی از ویت خواسته بود که در ارتباط با آزادی جاکوبسن "در صحنه بماند" به گفته سکورد، تری ویت پاسخ داده بود که "اینکار را با کمال میل انجام می دهد."

تری ویت از جنگا می که آزادی خود را باز یافته، درباره این افشاکاری ها سکوت اختیار کرده است. او نگفته است که چرا در جریان فعالیت خود در نیمه دهه هشتاد حدود ۲۰ بار با الیور نورت ملاقات کرد. تری ویت می گوید که در این باره تنها پس از آزادی آخرین گروگان در لبنان سخن خواهد گفت. اگر دو گروگان آلمانی باقی مانده نیز آزاد شوند، ویت دیگر بهانه ای برای ادامه سکوت خود نخواهد داشت. مذاکرات پنهان و آشکار بن و تهرآن نشان می دهد که آزادی این دو نیز نزدیک است.

اکنون برخی زمینه های چرخش اخیر در ماجرای گروگان ها نیز آشکار می شود. حزب الله لبنان در سال ۱۳۶۱ توسط هلی کوبتر محترمی که در آن زمان سفیر جمهوری اسلامی در سوریه بود، بنیاد گذاشته شد. اما عباس موسوی که حدود شش ماه پیش به دبیر کلی حزب الله برگزیده شد، مشی متفاوتی از اسلاف خود را دنبال می کند. او بلافاصله پس از انتخاب خود اظهار داشت: "ماجرای ننگ آور گروگان گیری باید پایان یابد."

تا به حال اسرائیل چنان می کرد که شیخ عبید، مشهورترین زندانی لبنانی صهیونیستها که در سال ۱۹۸۹ توسط کماندوهای اسرائیلی با هلی کوبتر رها شده بود، گروگان ارژشندی است. اما اخیرا رهبری حزب الله در بیروت اعلام کرده که شیخ عبید فرقی با سایر اسرای لبنانی ندارد. برخی ناظران می گویند عباس موسوی بدین هلت با شیخ عبید میانه چندان خوبی ندارد و در راهی او تعجیل به خرج نمی دهد که شیخ عبید، از طرفداران محترمی محسوب می شود و مخالف رهبری جدید حزب الله است. اگر بازگشت او به تعویق بیافتد، عباس موسوی مواضع خود را در رهبری حزب الله آنچنان تقویت خواهد که برای شیخ عبید جز مسجدی که امام جمعه آن بود، چیزی نمی ماند.

يك سال پس از جنگ خليج فارس

سابق ایالات متحده آمریکا، اخیراً به افشای نیت پنهان سیاست پردازان امریکایی از راه انداختن جنگ در خلیج فارس برخاسته و به فعالیت‌های قبلی خود در این زمینه شدت بخشیده است. او در تدارک برگزاری تریبون بین‌المللی پیرامون جنایات جنگی در خلیج فارس، که قرار است در ماه فوریه در نیویورک برگزار شود، نقش فعالی ایفا می‌کند. آنچه که در زیر به نقل از او می‌خوانید، بخشی از سخنان وی در یکی از نشست‌هایی است که جهت تدارک تریبون مزبور در شهر اشتوتگارت آلمان فدرال برگزار شده بود.

«جهه آن قوانینی که عراق به هنگام مداخله نظامی در کویت زیر پا نهاد، قلاً توسط ایالات متحده آمریکا به هنگام مداخله نظامی در پاناما به‌جهان صورت زیر پا نهاده شده بود و در آن ماجرا چهار برابر انسان‌هایی که به هنگام حمله به کویت کشته شدند، به قتل رسیده بودند. اما هیچکس از ایالات متحده آمریکا طلب

از آغاز تهاجم ارتش آمریکا و متحدان آن به کویت تحت اشغال عراق، یک سال می‌گذرد. از این فاجعه، اکنون دیگر کمتر سخن می‌رود. آنچه که درست یکسال پیش ماه‌ها جهان را در التهاب فرو برد گویی اینک به خاطرات گذشته دور بدل شده است. اما هواقب شوم این تراژدی و رنج‌های عظیم ناشی از آن، هرگز از نظر تاریخ محو نخواهد شد.

اکنون که از این حادثه فاصله گرفته‌ایم، با تعمق بیشتری می‌توانیم درباره زمینه‌پیدایی و انگیزه‌های نفع‌ان برای مشتعل شدن آتش جنگ خلیج فارس بیندیشیم. هر چه که زمان جلوتر برود، آشکارتر خواهد شد که چه کسانی این جنگ کثیف را به راه انداختند، چرا نقطه بربه اصطلاح راه حل جنگ دست یازیدند و چگونه از طریق آن توطئه‌های خود را به اجرا گذاشتند.

جنگ خلیج، یک قتل‌عام بود!

رمزی کلارک، وزیر داگستری

یلتسین: استعفانخواستارم داد

گوشه‌ها و هشت تا ۹ برابر و بهای پنبه ۱۷ برابر شد. دولت یلتسین کنترل قیمت‌ها را تنها در مورد معدودی ارقام اساسی مانند نان و بنزین یا بر جاکه داشته است. اما قیمت همین کالاها نیز سه تا چهار برابر بهای قبلی است.

کارشناسان دولت روسیه اعتراف می‌کنند که با اتخاذ سیاست جدید، نخست قیمت‌ها اوج می‌گیرد و حتی کمبودها شدیدتر خواهد شد زیرا مردم در انتظار قیمت‌های باز هم بیشتر، خواهند کوشید کالاهای عرضه شده را به مقدار زیاد خریداری کنند. هلیرفم این چشم‌انداز تیره، دولت روسیه مدعی است که طرف چند ماه، قیمت‌ها رو به تثبیت شدن خواهد نهاد و کالاهای بیشتری بر مبنای قیمت‌های واقع بینانه عرضه خواهد شد.

برخی از اعضای دیگر جامعه دولت‌های مستقل (ج. د. م.) مانند اوکراین و بیلاروس با اینکه ترجیح می‌دادند در آزاد کردن ناگهانی قیمت‌ها از روسیه تبعیت نکنند، با هلم به اینکه در صورت حفظ کنترل قیمت‌ها سبیل کالاهایشان به روسیه سرارزیر خواهد شد، با بی‌میلی ناچار به پیروی از روسیه شدند.

باریس یلتسین رئیس‌جمهور روسیه اعلام کرد که قصد ندارد در برابر فشار فزاینده اعتراض به سیاست‌های اقتصادی‌اش تسلیم شود. وی در آستانه سفر به جنوب روسیه خواست روسلان کاسبولاتف رئیس پارلمان روسیه مبنی بر استعفای رئیس‌جمهور را «موضع احساساتی» خواند و آن را رد کرد. یلتسین در همین حال اعلام کرد که روز پنجشنبه ۱۶ ژانویه (۲۶ دی)، در پارلمان سخنان مفصلی درباره آزاد کردن قیمت‌ها و موثقتی که این امر ایجاد کرده است، ایراد خواهد کرد. به گزارش تاس، یلتسین گفت: «من از دولت دفاع خواهم کرد.»

سرگئی شاخرای معاون نخست‌وزیر روسیه در تلویزیون روسیه اتهامات کاسبولاتف را غیر مسئولانه خواند و افزود باید به دولت فرصت داد تا اصلاح نظام قیمت‌ها را به پایان ببرد. یگور گایدار عضو کابینه روسیه و مسئول اصلاحات اقتصادی، اذعان داشت که در آزاد کردن قیمت‌ها «تا حدی هرج و مرج» پیش آمده است. وی گفت که قوانین بازار تحت شرایط بسیار دشواری حاکم می‌شود.

به این کشور پرداخت و همین مقدار از بدی‌های مصر را بخشید. ایالات متحده آمریکا منتظر فرصتی بود تا به عراق حمله کند. سیاست پردازان امریکایی هر چه از دستشان بر می‌آمد کردند تا از حل مسالمت‌آمیز مناقشه عراق و کویت محامعت کنند. طرح‌های هجوم، مدت‌ها قبل از ورشکستگی اقتصادی اتحاد شوروی و عقب نشینی این کشور از افغانستان مجبیا شده بود. آنها انتظار زمانی را می‌کشیدند که اتحاد شوروی قابلیت هرگونه واکنش را از دست بدهد تا بتوانند به خلیج هجوم ببرند.

«در گراناوا و لیبی نیز ایالات متحده آمریکا تعداد زیادی مجرم غیر نظامی را به هلاکت رساند...»

«سازمان ملل متحدند فقط از وسیله ممانعت از جنگ به ابزار جنگ افزوزی، بلکه به یک جنایتکار جنگی بدل شد. این سازمان قدرت و نفوذ خود را به ایالات متحده آمریکا اعطا کرد. ایالات متحده آمریکا برای جلب اتحاد شوروی هفت میلیارد دلار

فرامت نکرد. آیا حق در انحصار کسی است که زور بیشتری دارد؟ ایالات متحده آمریکا منتظر فرصتی بود تا به عراق حمله کند. سیاست پردازان امریکایی هر چه از دستشان بر می‌آمد کردند تا از حل مسالمت‌آمیز مناقشه عراق و کویت محامعت کنند. طرح‌های هجوم، مدت‌ها قبل از ورشکستگی اقتصادی اتحاد شوروی و عقب نشینی این کشور از افغانستان مجبیا شده بود. آنها انتظار زمانی را می‌کشیدند که اتحاد شوروی قابلیت هرگونه واکنش را از دست بدهد تا بتوانند به خلیج هجوم ببرند.

«در گراناوا و لیبی نیز ایالات متحده آمریکا تعداد زیادی مجرم غیر نظامی را به هلاکت رساند...»

«سازمان ملل متحدند فقط از وسیله ممانعت از جنگ به ابزار جنگ افزوزی، بلکه به یک جنایتکار جنگی بدل شد. این سازمان قدرت و نفوذ خود را به ایالات متحده آمریکا اعطا کرد. ایالات متحده آمریکا برای جلب اتحاد شوروی هفت میلیارد دلار

کناره‌گیری بن‌جدید و تعویق انتخابات در الجزایر

پس از اعلام نتایج مرحله اول انتخابات، در الجزایر واکنش‌هایی توأم با نگرانی از امکان قدرت‌گیری بنیادگرایان اسلامی ایران شد. روز ۱۲ دیماه به دعوت جبهه نیروهای سوسیالیست و برخی دیگر از سازمانهای سیاسی و اجتماعی، سیصد هزار نفر در الجزیره دست به تظاهرات علیه بنیادگرایی زدند. دولت تحت فشار این اعتراضات اعلام کرد که به شکایات علیه نحوه برگزاری انتخابات در حوزه‌هایی که کاندیداهای جبهه نجات در آنجا برنده شدند، رسیدگی خواهد کرد.

در حالیکه پیروزی بنیادگرایان اسلامی در مرحله اول انتخابات پارلمانی الجزایر تقریباً در همه کشورهای جهان با نگرانی نسبت به سرنوشته دمکراسی و امکان پدید آمدن یک جمهوری اسلامی دیگر در شمال آفریقا مواجه شد، تحول اخیر الجزایر و تعویق انتخابات این کشور از سوی همه کشورها و نیروهای سیاسی به دقت دنبال می‌شود. بسیاری از ناظران، آینده سیاسی الجزایر را در گرفتار نظامیان در هفته‌های آینده می‌دانند. اگر ارتش الجزایر از موقعیت ایجاد شده به نفع احیای دیکتاتوری و قطع روند دمکراتیزه کردن حیات سیاسی الجزایر سوء استفاده کند، علاوه بر بنیادگرایان

بقیه از صفحه اول تعیین شد، ۱۸۸ کرسی را بخود اختصاص دهد. حزب حاکم «جبهه رهایی بخش ملی» در مرحله اول انتخابات که روز ۵ دیماه انجام گرفت، تنها ۱۵ کرسی را از آن خود ساخت. «جبهه نیروهای سوسیالیست» به رهبری آیت احمد ۲۵ کرسی بدست آورد. قرار بود سرنوشته ۱۹۹ کرسی باقیمانده در مرحله دوم انتخابات تعیین شود.

طبق قانون اساسی الجزایر، پس از کناره‌گیری رئیس‌جمهور باید بلافاصله تدارک انتخابات ریاست جمهوری آغاز شود. جبهه نجات در نخستین واکنش خود نسبت به روی کار آمدن «شورای امنیت»، از مردم و ارتش الجزایر خواست در برابر تصمیمات این شورا مقاومت کنند. جبهه نجات، تعویق انتخابات مرحله دوم رایک تقبل خواهد.

شورای امنیت حاکم بر الجزایر، از مقامات نظامی و غیر نظامی تشکیل شده است. این شورای نخستین اقدام خود پس از بدست گرفتن قدرت، واحدهای ارتش را به خیابانهای الجزیره فرستاد. نظامیان کنترل نقاط حساس شهر را در دست دارند. با این حال در الجزایر حکومت نظامی اعلام نشده است و مطبوعات هنوز تحت سانسور قرار نگرفته‌اند.

پانزدهمین آتش‌بس در یوگسلاوی

در نخستین روزهای سال ۱۹۹۲، سائروس ونس فرستاده ویژه سازمان ملل متحد توانست طرفین جنگ داخلی یوگسلاوی را به انعقاد پانزدهمین موافقت‌نامه آتش‌بس متقاعد کند. در ماه‌های گذشته، ارتش فدرال یوگسلاوی و نیروهای مسلح جمهوری کرواسی چهارده بار برقراری آتش‌بس را پذیرفته بودند اما هر بار، خاموشی سلاح‌ها چندساعت بیشتر به طول نیانجامیده بود. پانزدهمین آتش‌بس که تا هنگام تنظیم این گزارش کمابیش رعایت شده است، بر مبنای مفصل‌ترین موافقت‌نامه‌های برقرار شد که تاکنون به امضای طرفین رسیده است. سائروس ونس هنگام ترک بلگراد گفت رعایت یا عدم رعایت آتش‌بس، بسته به رفتار هر دو طرف جنگ داخلی یوگسلاوی است.

به موجب توافق اخیر، ارتش فدرال و گارد ملی کرواسی باید از مناطق جنگی کرواسی، از جمله منطقه صرب نشین کرائینا، عقب بنشینند. یک نیروی ۱۰ هزار نفری سازمان ملل در این مناطق کلمه مدت شش ماه تحت حفاظت سازمان ملل خواهد بود. مستقر خواهد شد. قبل از استقرار این نیرو، باید آتش‌بس پایدار برقرار شود. پیش‌بینی می‌شود طرف‌ها چند هفته آینده نیروهای سازمان ملل به یوگسلاوی اعزام شوند. اولین گروه ناظران سازمان ملل هفته گذشته وارد بلگراد و زاکرب شد.

روز چهارشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی) جامعه اروپا تصمیم گرفت کرواسی و اسلوونی را به عنوان کشورهای مستقل به رسمیت بشناسد. این تصمیم، به معنای پیش رفتن مشی آلمان در اروپاست.

مهمترین مسئله جل نشده در یوگسلاوی، اختلافات ارضی است. صرب‌ها مرزهای فعلی کرواسی را قبول ندارند و خواهان پیوستن مناطق صرب نشین این جمهوری به صربستان اند.

رئیس پارلمان روسیه دولت را متهم به ناتوانی در هرصه اقتصاد کرده بود. وی گفته بود اگر یلتسین کابینه را برکنار نکند، پارلمان باید از حق قانونی خود برای انحلال دولت استفاده کند. ولادیمیر شومیکو معاون رئیس پارلمان طی یک نشست هیات رئیسه پارلمان پیش‌بینی کرد سیاست افزایش کنترل نشده قیمت‌ها به تنش‌های فزاینده اجتماعی خواهد انجامید.

دولت کارآخستان با اشاره به «نارضایی گسترده» در میان مردم، تصمیم گرفت بهای نان و شیر دوباره تثبیت شود.

با آزاد شدن قیمت‌ها در روسیه، بهای نان سه الی چهار برابر، قیمت شیر دو برابر، بهای سوسیس و کالباس شش تا هفت برابر، نرخ شکر ۹ برابر، قیمت

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر پستی و یار سید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراک نشریه "کار" ۰ شش ماهه ۴۵ مارک ۵۲ مارک	
۰ یک ساله ۹۰ مارک ۱۰۴ مارک	

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

لبنان: در پشت پرده ماجرای گروگانها

طرف‌های مذاکره خود رفت، افراد مسلح شیعه فرستنده را یافتند و همین امر به اسارت ویت انجامید.

نکته دیگری که در گزارشهای اخیر مطبوعات بازتاب یافته، این است که در نیمه دهم هشدار تری ویت برخلاف آنچه می‌نمود، نقشی در آزادی کروگانهای لبنانی نداشت. الیور نورت و همکاران او در شورای امنیت ملی آمریکا به بقیه در صفحه ۹

افراطی شیعه مذاکره کند. اما ویت حامل چیز دیگری نیز بود. الیور نورت، یکی از مقامات وقت شورای امنیت ملی آمریکا که نام او با ماجرای ایران کیت به سرزبانها افتاد، به تری ویت یک فرستنده کو چک و مخفی داده بود تا تری ویت آنرا در کمر بند خود پنهان کند. این فرستنده هلالی می‌فرستاد که از سوی یک ماهواره قابل تشخیص و ردیابی بودند. وقتی ویت به دیدار

همزمان با آزادی تری ویت، فرستاده استق اعظم کلیسای کاتربری، که نزدیک به پنج سال در اسارت گروگان گیران لبنان بود، در رسانه‌های گروهی تری ویت اخباری انتشار یافت که همکاری دانسته یانداسته تری ویت با سرویس‌های امنیتی آمریکایی را تأیید می‌کند.

تری ویت در ژانویه ۱۹۸۷ به بیروت رفته بود تا درباره آزادی گروگانهای تری ویت با گروه‌های

<p>KAR No 27 22 Jan 1992</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان ندائیان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کدبانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY</p>	<p>آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p>